

بررسی حمله ائتلاف با رهبری عربستان در بحران یمن در قالب اعمال دکترین مسولیت حمایت

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۸

محمد علی نژاداصل<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۱۱

علیرضا آرش پور<sup>۲</sup>

مسعود راعی دهقی<sup>۳</sup>

### چکیده

تصویب دکترین ((مسئولیت حمایت)) در اجلاس سران سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵ و تبدیل آن به هنجار پذیرفته شده بین المللی، حکایت از گام مهم جامعه جهانی برای اتخاذ رویکردی واحد در قبال بحران‌های بشری بین المللی دارد. مسئولیت به حمایت مستلزم مسئولیت به پیشگیری، واکنش و بازسازی است. مسئولیت پیشگیری در وهله اول متوجه حاکمیت و نهادهای ملی است در صورتی که حاکمیت در این امر ناتوان یا بی میل باشد جامعه جهانی و در رأس آن شورای امنیت مسئولیت اولیه برای عمل را داراست و می‌بایست از نقض حقوق بشر جلوگیری کند. اما آزمون عملی این دکترین در بحران لیبی نشان داد که گزینه مداخله نظامی بیشتر از سایر گزینه‌ها (گزینه‌های غیرنظامی) مورد توجه شورای امنیت قرار دارد. این در حالی است که اقدامات نظامی می‌بایست به عنوان آخرین حربه و به صورت استثنایی و هنگامی که بیم آن رود که نظم و صلح جهانی در معرض خطر قرار گرفته به کار گرفته شوند. بی توجهی شورای امنیت به راهکارهای پیشگیرانه بار دیگر انتقاداتی را متوجه قدرت‌های بزرگ، به ویژه اعضای دائم شورای امنیت به عنوان مرجع صلاحیتدار صدور مجوز برای اقدام در قالب دکترین ((مسئولیت حمایت)) کرده است. در پس بحران‌هایی که پس از ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ دامن گیر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا شد کشور یمن نیز دستخوش تحولاتی گردید. در ادامه این بحران، ائتلاف منطقه ای به رهبری عربستان جهت حمایت از رییس جمهور مستعفی یمن، این کشور را مورد تجاوز نظامی قرار دادند که منجر به کشته و زخمی شدن بسیاری از افراد غیر نظامی و وقوع فجایع بهداشتی و تغذیه ای در بین غیرنظامیان بخصوص کودکان گردید؛ به طوری که بر اساس گزارش های سازمان های بین المللی، وقوع جرایم جنگی به شکل جدی در این حملات مشهود است. بنابراین می توان گفت در گام نخست از ابزار تحریم اقتصادی، نظامی و سیاسی در قالب دکترین مسئولیت حمایت برای حمایت از اتباع یمن به منظور بازداشتن ارتکاب جرایم توسط ائتلاف منطقه ای مذکور اقدام نمود. این نوشتار بر آن است تا ضمن بررسی کوتاه دکترین مسئولیت حمایت، وقایع جاری در یمن را از منظر مسئولیت حمایت تحلیل و حمله ائتلاف به رهبری عربستان را از دیدگاه قانونی مورد بررسی قرار دهد و در پایان امکان اجرای دکترین مسئولیت حمایت در مقابله با بحران ایجاد شده توسط ائتلاف منطقه ای به رهبری عربستان سعودی را تحلیل نماید.

واژگان کلیدی: دکترین مسئولیت حمایت، ائتلاف منطقه ای، مداخله، شورای امنیت، یمن

یمن یکی از کشورهای اسلامی است که در حوزه خاورمیانه واقع شده است. اهمیت ژئوپولیتیکی این کشور بدان جهت است که بخش جنوبی آن در شمال غربی و شمال شرقی باب المندب قرار گرفته و این تنگه بین دریای سرخ و اقیانوس هند واقع شده و نزدیک‌ترین آبراه بین شرق و غرب می‌باشد. یمن با تسلط بر باب المندب قادر به کنترل دریای سرخ بوده و حتی می‌تواند آنجا را با دارا بودن جزیره مهم و استراتژیکی (بریم) ببندد. موقعیت ژئوپولیتیکی این کشور باعث شده تا این کشور همیشه در کانون توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار بگیرد (درایسدل و بلیک، ۱۳۸۶: ۱۷۸). امنیت تنگه بلبالمندب برای تمامی کشورهای ساحلی دریای سرخ از نظر حمل و نقل کالا و تسلیحات حائز اهمیت اساسی است. برای مثال در جنگ ۱۹۷۳ مصر و سوریه ضد رژیم صهیونیستی، جمهوری عربی یمن در هماهنگی با قاهره تنگه بابالمندب را به روی ورود کشتی‌ها و تسلیحات به رژیم صهیونیستی بست و از این طریق به نحو مؤثری مانع استفاده رژیم صهیونیستی از بخش عمده‌ای از نیروی دریایی‌اش و ضربه زدن به مصر از طریق دریای سرخ شد؛ امری که تأثیر فراوانی بر سیر عملیات جنگی در جبهه سینا داشت. تجارت و توریسم در شهرهای مهمی چون جدّه و ینبع (عربستان سعودی) و ده‌ها شهر ساحلی دیگر دریای سرخ تا حد زیادی به امنیت و آرامش در تنگه وابسته است (میررضوی و احمدی لفورکی، ۱۳۸۳: ۵۱). دقیقاً به همین خاطر آمریکا و رژیم صهیونیستی بابالمندب به دنبال حصول اطمینان از کنترل بابالمندب و خلیج عدن می‌باشند. بابالمندب یک گلوگاه راهبردی مهم برای تجارت دریایی بین‌المللی و کشتیرانی و نیز انتقال انرژی است. اهمیت آن به اندازه اهمیت کانال سوئز برای کشتیرانی دریایی و تجارت دریایی بین آفریقا، آسیا و اروپاست. آن‌ها به شدت نگران پیروزی انصارالله و حوثی‌ها هستند؛ زیرا کنترل یمن توسط حوثی‌ها سبب قطع دسترسی رژیم صهیونیستی به اقیانوس هند از طریق دریای سرخ شده و مانع دسترسی راحت زیردریایی‌های رژیم صهیونیستی برای ورود به خلیج فارس برای تهدید ایران می‌شود. اما در سوی دیگر عربستان سعودی به عنوان متحد منطقه‌ای آمریکا نیز به شدت از اینکه یمن به متحد ایران تبدیل شود هراس و بیم آن دارد که این رویدادها تمامی شبه جزیره عربستان را ضد خاندان سعودی برانگیزد.

هدف اصلی از دکرین مسئولیت حمایت پیشگیری از جرائم ضد انسانی جمعی در داخل یک کشور بحران زده مانند یمن است تا از آن چیزی که در بوسنی روآندا یا دارفور رخ داده است جلوگیری شود. از این منظر دکرین مسئولیت حمایت چارچوبی را در اختیار جامعه بین‌المللی قرار می‌دهد که به استناد آن می‌توان به وقوع جرائم خشونت آمیز واکنش نشان داد.

کشور یمن از سال‌های قبل از اتحاد دو یمن جنوبی و شمالی درگیر منازعات قبیله‌ای و دینی و سرزمینی بود. و پس از اتحاد دو سرزمین نیز این منازعات ادامه داشت. علی عبدالله صالح پس از رسیدن به حکومت تا پایان ریاست جمهوری‌اش بیش از سی سال، تبعیضات و خشونت‌ها و استبداد را بر این سرزمین حکمفرما کرده بود. پس از انقلاب سال ۲۰۱۱ رژیم علی عبدالله صالح مبنای بر سرکوب گذاشت و دست

به خونریزی و سرکوب معترضان نمود. در ۲۳ نوامبر ۲۰۱۱ رئیس جمهوری ۶۹ ساله یمن توافق‌نامه‌ای را امضا کرده که طبق آن از قدرت کناره‌گیری می‌کند. توافق‌نامه‌ای که با حضور آقای صالح در ریاض عربستان به امضا رسید، حاصل تلاش کشورهای شورای همکاری خلیج فارس است. بنا به توافق شورای همکاری خلیج فارس که به امضا رسید علی عبدالله صالح قدرت را به عبدالربه منصور هادی معاون رئیس‌جمهور واگذار کرده و وی از محمد باسینداوا خواسته است تا دولت جدید را تشکیل بدهد عبد الربه منصور هادی که معاون رئیس‌جمهور یمن بود با ۹۹ درصد از آرای شرکت کنندگان در انتخابات رئیس‌جمهور یمن شد. بیش از ۶۰ درصد یمنی‌ها در این انتخابات شرکت کردند. عبدالربه منصور هادی به عنوان تنها نامزد، به ریاست جمهوری یمن برگزیده شد. او نامزد توافقی این انتخابات بود که قرار بود مرحله انتقالی را اداره کند. انتخاب او بر پایه توافق سیاسی برای انتقال مسالمت‌آمیز قدرت در یمن پس از ماه‌ها تظاهرات اعتراض‌آمیز صورت گرفت. یمن در سال ۲۰۱۴ شاهد خیزش مجدد مردمی و اصلاح خطاهای انقلاب سال ۲۰۱۱ به منظور جلوگیری از مصادره آن به دست کشورهای غربی و شورای همکاری خلیج فارس بود. که همین امر منجر به استعفا و فرار عبدالربه منصور هادی رئیس‌جمهور وقت این کشور شد. این کناره‌گیری با میانجیگری شورای همکاری خلیج فارس، منعقد گردید که مورد حمایت شورای امنیت ملل متحد قرار گرفت. در ۱۴ ژانویه حوثی‌ها کنترل شهرک «دماج» در شمال یمن را پس از درگیری‌های خونین با سلفی‌های مورد حمایت عربستان، به دست گرفتند. در ۲۱ ژانویه در پی ترور عضو حوثی کنفرانس گفت‌وگوی ملی یمن در صنعا، جنبش حوثی اعلام کرد که از این کنفرانس خارج می‌شود. از سوی دیگر کنفرانس گفت‌وگوی ملی نیز اعلام کرد که بر روی سند نهایی این کنفرانس توافق شده است و بیانیه پایانی از دستاوردهای این نشست‌ها را تهیه کرده است. به دنبال این اتفاقات گروه انصارالله کنترل بخش‌های زیادی از یمن بدست گرفتند و تا پایتخت پیش رفتند و آنجا را تصرف کردند. در این بین کشور عربستان سعودی جنبش الحوثی را در فهرست سازمان‌های تروریستی خود قرار داد. در ادامه این بحران، ائتلاف منطقه‌ای به رهبری عربستان سعودی، جهت حمایت از رئیس‌جمهور مستعفی یمن، این کشور را مورد تجاوز نظامی قرار دادند که منجر به کشته و زخمی شدن بسیاری از افراد غیرنظامی و وقوع فجایع بهداشتی و تغذیه‌ای در بین غیرنظامیان بخصوص کودکان گردید.

ما در این مقاله بر آن شده ایم که ضمن بررسی حمله ائتلاف به رهبری عربستان به یمن، تحلیل و بررسی نماییم که آیا موضوع مسئولیت حمایت در خصوص بحران یمن، قابل اجرا است؟ آیا حمله ائتلاف به رهبری عربستان از منظر حقوق بین الملل قانونی است؟

### علل انقلاب مردم یمن

به طور کلی مهمترین ویژگی‌های سیاسی و نظام حزبی یمن پس از ادغام و نیز از دلایل مهم انقلاب مردم یمن و ناآرامی‌های سال ۲۰۱۱ به بعد در یمن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

### - بستر درونی بحران زا: نقش عوامل داخلی

یمن کشور شکننده و ضعیفی است که دولت‌های آن به شدت درگیر مسائل و تهدیدهای داخلی بوده‌اند. مجموعه‌ای از عوامل سیاسی- اجتماعی داخلی در سطح دولت و جامعه و اقتصاد ویژگی بحران زایی داشته و زمینه ساز رقابت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی و دخالت و رقابت آنها بر سر این کشور شده‌اند. عوامل مهم بحران زای داخلی مورد نظر شامل موارد زیر است:

### - اقتدارگرایی و تمامیت خواهی

در سطح سیاسی، اقتدارگرایی مبتنی بر مشروعیت سنتی یا انقلابی از عمده‌ترین عوامل بحران زای یمن به شمار می‌آید. این عوامل سبب ساز بحران‌های ۱۹۶۲ و ۱۹۶۷ شده و پس از دهه ۱۹۸۰ نیز نقش آفرینی کرده است. این امر به ویژه در دوران حکمرانی طولانی علی عبدالله صالح<sup>۱</sup> در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم آشکار بوده است. صالح از سال ۱۹۷۸ میلادی به عنوان رئیس جمهور یمن شمالی و از سال ۱۹۹۰ میلادی به عنوان رئیس جمهور یمن متحد قدرت را در این کشور در دست داشت. وی در سال ۲۰۱۲ میلادی با اعتراض‌های گسترده مردمی تحت تأثیر رویدادهای موسوم به بهار عربی که به انقلاب یمن معروف شد، از قدرت کناره گیری کرد، اما همچنان بعنوان یک بازیگر تأثیرگذار در صحنه سیاست کشور باقی ماند و نیروهای وفادار به او در مارس ۲۰۱۵ با حوثی‌های زبیده ی که در آن زمان بخش بزرگی از یمن را در کنترل خود داشتند، وارد ائتلاف شد (Mujahed and Naylor, 2015).

حکومت علی عبدالله صالح در زمره رژیم‌های اقتدارگرایی متکی بر هژمونی حزب حاکم همراه با سطح بالایی از رقابت سیاسی و انتخاباتی، طبقه بندی می‌شد. در این نظام سیاسی اگرچه میزانی از رقابت انتخاباتی تحمل می‌شود، در عمل حزب حاکم با بهره گیری از مجموعه ابزارها موقعیت مسلط را به دست می‌آورد. برای نمونه کنگره خلق عمومی وابسته به علی عبدالله صالح و به مثابه حزب حاکم یمن تحت کنترل او از مجموعه‌ای از ابزارها برای پیروزی در انتخابات به نحو احسن استفاده می‌کرد. گذشته از این، رسانه‌های دولتی یمن به نفع این حزب فعالیت می‌کردند و تأثیر این پدیده، به ویژه بر رأی دهندگان بیسواد چشمگیر بود (Blaydes, 2018). به طور کلی، حکومت عبدالله صالح به دلیل بحران‌های سیاسی و اجتماعی مختلف، فاقد مشروعیت سیاسی برای تداوم حکمرانی بود و طبقات اجتماعی مختلفی از جمله جوانان، دانشجویان، قبایل مهم و احزاب سیاسی و همچنین حوثی‌ها و جنوبی‌ها در مقابل دولت او قرار می‌گرفتند و بارها تظاهرات فراگیر و عظیمی علیه آن به راه می‌انداختند و بر دامنه بحران می‌افزودند (مقصودی، ۱۳۹۰: ۶۴).

### - مشکلات و فساد اقتصادی گسترده

از لحاظ اقتصادی یمن یکی از ضعیف‌ترین کشورهای منطقه ی خاورمیانه بوده و در بیشتر دوران سیاسی معاصر خود به کمک‌های خارجی و دولت‌های رانتی عرب وابسته بوده است. حداقل ۵۸ درصد کودکان از

<sup>۱</sup>Ali Abdullah Saleh

سوء تغذیه رنج می‌برند و فساد و بیکاری گسترده‌ای در این کشور به چشم می‌خورد. نرخ رشد جمعیت سالانه کشور حدود ۳/۲ درصد است، حال آنکه منابع طبیعی انسانی و دولتی این کشور محدود است و تاب چنین رشد جمعیتی را ندارد. (نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۱۱۳-۱۱۲). نرخ ۳۵ درصدی بیکاری در یمن، کمبود آب آشامیدنی و براساس گزارش سازمان ملل وجود حدود ۷ میلیون انسان گرسنه که از کمبود مواد غذایی رنج می‌برند، بخشی از مشکلات اقتصادی مردم یمن است (صادقی و احمدیان ۱۳۸۹، ۲۶۱). بر اساس گزارش بانک جهانی، یمن به ویژه در سال‌های پس از ناآرامی‌های ۲۰۱۱ بالاترین نرخ بیکاری را در میان کشورهای عربی داشت و این نرخ به ۶۰ درصد می‌رسید (Al-Khazzan, 2014). بنابر گزارش مقامات وزارت تجارت و صنعت یمن، نرخ فقر در این کشور در سال ۲۰۱۱ میلادی به میزان بالای ۷۵ درصد می‌رسیده است (Al-Arasyhi, 2014). وضعیت اقتصادی یمن به شکلی است که بانک جهانی یمن را از میان ۱۹ کشور خاورمیانه، جزو گروه کشورهای با درآمد پایین طبقه بندی کرده است (Carkoglu & et al, 2005: 32-99-100). این وضعیت نشان دهنده کاهش قابلیت‌های اقتصادی یمن است. این فقدان منابع مالی، اقتصادی، و توزیع نامناسب منابع، به منشاء تهدیدات و در نتیجه ناامنی در یمن تبدیل شده است. کمبود شدید منابع و گسترش فقر باعث شده است که گروه‌ها و قبایل یمنی برای کسب منابع با یکدیگر و نیز با حکومت مرکزی به رقابت خشونت آمیز روی آورند. در واقع وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم یمن، از عوامل مهم و اثرگذار بر شورش‌ها، گسترش ناامنی، قدرت گیری و گسترش نفوذ بازیگران ملی و فراملی در این کشور است.

#### - بی ثباتی و ناامنی داخلی

جامعه یمن از طایفه‌ها و قبایل گوناگونی تشکیل یافته است. در یمن وفاداری مردم به قبیله و طایفه خود به مراتب بالاتر از وفاداری ملی است و این امر باعث شده که بسیاری از محققان، ضعف هویت ملی و انسجام اجتماعی، و عدم شکل گیری دولت-ملت را از مهم‌ترین چالش‌های این کشور تلقی نمایند (نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۱۱۴). عنصر قبیله گرایی در یمن آنچنان در سیاست‌های این کشور نقش داشته که پیروزی جناح‌های سیاسی رقیب بر یکدیگر را تحت تأثیر قرار می‌داده است. نقش ساختار قبیله‌ای و بازی سیاسی قبایل در ناآرامی‌های مردمی سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۲ آشکار شد و بدون مشارکت قبایل نیرومند یمن در تظاهرات و ناآرامی‌های آن سال‌ها سقوط رژیم اقتدارگرای علی عبدالله صالح غیرممکن می‌نمود (باقری چوکامی، ۱۳۸۹: ۲۸-۲۹). از نظر مذهبی بیش از ۴۵ درصد از جمعیت حدود ۲۵ میلیونی یمن، شیعیان زیدی هستند که نزدیک‌ترین فرقه شیعه مذهب به اندیشه‌های اهل سنت است. مابقی جمعیت آن از سنی‌های شافعی تشکیل شده که نزدیک‌ترین فرقه سنی به اندیشه‌های شیعیان است (حقیقت، ۱۳۸۹: ۸۳). باید توجه داشت که تعارضات درخور توجهی بین زیدیان و سنی مذهب‌ها در این کشور وجود داشته که اوضاع داخلی پیچیده‌ای را رقم زده است. در این میان، گرایش‌های افراطی دینی وهابیون و سلفی‌های وابسته به عربستان سعودی، هم‌پذیری مذهبی را در این کشور دشوار نموده است. توزیع ناعادلانه ثروت و قدرت بین گروه‌های قومی، مذهبی و مناطق جغرافیایی مختلف نیز شکاف‌های اجتماعی یادشده را تشدید کرده است

(نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۱۱۴). عدم یکپارچگی قومی و مذهبی در یمن سبب شده است تا دولت-ملت در این کشور متشتت و چند پاره باشد و جامعه به گروه‌های قومی مذهبی گوناگون و متعارضی تقسیم شود. این وضعیت از یک سو موجب به وجود آمدن هویت‌های مختلف شده است و از سوی دیگر، از بازتولید هنجارها و ارزش‌های مشترک جلوگیری می‌کند و در نهایت، سبب ازهم گسیختن جامعه می‌شود.

### - بیکاری و ناامنی غذایی

فساد گسترده، فرار سرمایه، در کنار تنزل و فرسایش شدید زیست محیطی، بیکاری بالا و جنگ‌های مداوم در یمن منجر به ایجاد بحران انسانی شدید شده است؛ به گونه‌ای که ۵۵ درصد مردم یمن از ناامنی غذایی و نبود خدمات بهداشتی رنج می‌برند. آنچه که به این مشکلات وخامت بیشتری داده است وجود حدود ۱/۲ میلیون آواره از کشورهای اتیوپی، سومالی و سوریه است و بیش از ۳۰۰۰۰۰ نفر نیز در داخل مجبور به مهاجرت شده‌اند. یمنی‌ها همچنین از حملات مداوم القاعده و هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی‌ها به شدت رنج می‌برند (Adra, 2013: 1-3).

یکی از مشکلات مهم اجتماعی یمن، معضل بیکاری، به ویژه در میان جوانان است. رشد جمعیت بالا در یمن از یک سو و ناتوانی حکومت در اشتغال زایی از سوی دیگر، موجب شده که نرخ بیکاری در این کشور بسیار بالا باشد. نرخ بیکاری در یمن ۳۵ درصد است که از این نسبت حدود ۵۷ درصد را جوانان تشکیل داده‌اند (صادقی و احمدیان، ۱۳۸۹: ۲۶۱).

### نقش جریان‌های اجتماعی و سیاسی داخلی در تحولات یمن

در یمن چهار جریان عمده مشغول فعالیت و نقش آفرینی سیاسی در تحولات یمن هستند:

- ۱- جریان کنگره که منسوب به رئیس جمهور سابق علی عبدالله صالح است؛
- ۲- حزب اصلاح با گرایش‌های وهابی که مورد حمایت عربستان سعودی نیز است؛
- ۳- جریان جنوب که اکثریت یمن را در بر دارد. این جریان در درون خود سه رویکرد استقلال طلب، طرفداران فدرالیسم، و جریان حداقلی را شاهد است؛
- ۴- جریان زیدیه و حوثی‌ها که در نقاط مختلف، به ویژه منطقه صعده حضور دارند و گفته می‌شود حدود ۴۰ درصد جمعیت یمن را تشکیل می‌دهند.

در جامعه قبیله‌ای یمن، نقض صلح با پیامدهای مهمی همراه است: وقتی یک نفر از اعضای یک قبیله کشته می‌شود قبیله قربانی حق دارد یک مرد از اعضای قبیله قاتل را بکشد. در نواحی قبیله‌ای خصوصاً در نواحی مارب، الجوف و شبوه، قتل‌های انتقامی منجر به یک چرخه از خشونت‌های درون قبیله‌ای شده و تمام نسل‌ها را تهدید و چشم انداز سیاسی و اقتصادی یمن را تحت شعاع خود قرار داده است. تجارت محلی را مختل کرده و کودکان نمی‌توانند به تحصیل ادامه دهند و رفت و آمدهای عادی یا مسافرت برای تهیه

مایحتاج زندگی نیز بسیار خطرناک شده است. القاعده نیز به عنوان یک بازیگر خارجی با دستورالعمل سیاسی خود یک تهدید جدی برای این سازوکارهای محلی قبیله‌ای برای حفظ سطح و میزانی از نظم محسوب می‌شود. به لحاظ ایدئولوژیکی، القاعده از دشواری‌های زیادی در جامعه یمن روبرو است. در سال ۲۰۰۹، رهبر القاعده یمن، الوهایشی<sup>۲</sup> حمایت خود را از مردم یمن جنوبی در نبردشان برای جدایی از یمن را اعلام کرد. این درخواست القاعده در چارچوب جهاد صورت گرفت و تأیید کرد که قوانین و احکام اسلامی مدنظر القاعده تنها راه برای جنوب جهت غلبه بر بی عدالتی‌های تحمیلی رژیم صالح است. دیگر عضو القاعده یعنی جالب عبدالله الزیدی<sup>۳</sup> این نکته را اضافه کرد و گفت که اتخاذ شریعت مورد نظر القاعده برای کمک جهادی القاعده در جنوب ضروری است. وی اعلام کرد اگر آنها همچنان به انتخاب ایده‌های سوسیالیستی و کمونیستی ادامه دهند ما به آنها ملحق نخواهیم شد. جنبش مردمی شیعیان حوثی نیز از جمله جریانات مهمی است که خواهان رفع استبداد داخلی و تحقق مطالبات مردم یمن و پایان دخالت عربستان و آمریکا در کشور یمن هستند. همه این‌ها باعث شد تا شخصیت‌هایی چون علامه بدرالدین الحوثی<sup>۴</sup> و فرزندان‌ش که جنبش انصارالله را تأسیس کردند، به فکر بازاندیشی در باب مذهب زیدیه و رسالت آن در قبال کشور یمن برآیند. به نظر می‌رسد در پروسه باز اندیشی و احیای هویت زیدیه یمن، چند غایت ترسیم شده است: ۱- ارائه قرائتی فراگیر از مذهب زیدیه که بیشترین قرابت و همپوشانی را با شیعه امامیه دارد؛ ۲- ترسیم مرزهای غیریت با مذهب وهابی نه جامعه شافعی مذهب یمن، یعنی حوثی‌ها با احیای هویت زیدی دغدغه‌های «ملی‌گرایانه» دارند؛ و ۳- توجه خاص روی ارزش‌های سیاسی، اجتماعی اسلام چون امر به معروف، نهی از منکر و جهاد که در گذر زمان کم رنگ شده بودند (میراحمدی و احمدوند، ۱۳۹۴: ۹-۵).

### نقش جریانات خارجی در تحولات یمن

گذشته از نقش عوامل ژئوپلیتیک و عناصر بحران زای داخلی یمن، آنچه بیش از همه عربستان سعودی را به مداخله مستقیم در یمن و تهاجم نظامی به این کشور رهنمون کرده، سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. در این میان رقابت‌های راهبردی و به ویژه به هم خوردن توازن قوای منطقه‌ای به نفع ایران، بیش از سایر عوامل اهمیت داشته است. اگرچه رقابت میان ایران و عربستان بر سر رهبری جهان اسلام از سال‌های پس از انقلاب اسلامی در ۱۹۷۹ آغاز شد و رهبران سعودی که خود از سوی اسلامگرایان شیعه مورد حمایت ایران (احمدی، ۱۳۸۲) و نیروهای جنبش سنی اخوان به چالش کشیده می‌شدند (Hegghammer & Lacroix, 2007)، برای مهار انقلاب ایران از صدام حسین در جنگ علیه ایران حمایت کردند، اما نگرانی عمده سعودی‌ها از زمانی آغاز شد که با سرنگونی دولت بعث در ۲۰۰۳ میلادی اکثریت شیعیان این کشور قدرت را به دست گرفتند. علاوه بر این گسترش نفوذ ایران در لبنان و سرزمین‌های اشغالی فلسطینی به تدریج عربستان و متحدان عرب آن در منطقه را نگران کرد و به طرح آنچه

<sup>2</sup> Alushhi

<sup>3</sup> Abdullah Al-Zaidi

<sup>4</sup> Badr al-Din al-Houthi

از سوی عبدالله پادشاه اردن به هلال شیعه معروف شد، انجامید. گسترش نفوذ ایران در منطقه بعدها متحد دیگر عربستان یعنی حسنی مبارک<sup>۵</sup>، رئیس جمهور وقت مصر را نیز به واکنش واداشت و بر آن کرد تا به طرح این مسئله بپردازد که گویا شیعیان عرب به ایران وفادارترند تا کشورهای محل سکونت خود (Cordesman, 2006). رهبران سعودی نیز خود در جریان جنگ‌های ۳۳ روزه‌ی حزب الله لبنان با اسرائیل در سال ۲۰۰۶ و همچنین جنگ ۲۲ روزه در ۲۰۰۸ ایران را به مداخله در امور کشورهای عربی و به راه انداختن جنگ‌های نیابتی متهم کرده بودند (Bazzi, 2005).

آنچه رهبران سعودی را از گسترش نفوذ ایران و تضعیف جایگاه خود و متحدانش در منطقه نگران ساخت، رویدادهای پس از ۲۰۱۱ میلادی موسوم به بهار عربی بود. با سرنگونی سه دولت عربی متحد سعودی یعنی تونس به رهبری زین العابدین بن علی، مصر به رهبری حسنی مبارک و یمن زیر نظر علی عبدالله صالح در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ میلادی از یک سو و گسترش ناآرامی‌ها و انقلابات به شبه جزیره عرب و به ویژه بحرین، نه تنها توازن قوای منطقه‌ای به سود ایران در حال به هم خوردن بود، اقتدار سعودی را در شبه جزیره به چالش می‌طلبید (Baker, 2011). عربستان سعودی برای جلوگیری از سرایت ناآرامی‌ها به شبه جزیره به ویژه سرپوش گذاشتن بر اعتراضات شیعیان خود از یک سو سیاست تطمیع را در پیش گرفت و با توزیع بیش از ۳۵ میلیارد دلار در بین اتباع عربستان برای خشنود سازی شهروندان سعودی اقدام کرد و از سوی دیگر، با پیشبرد سیاست مشت آهنین به سرکوب انقلابیون شیعه در داخل عربستان و بحرین پرداخت (Broner & Slackman, 2011).

یکی از ابزارهای عربستان سعودی برای دورسازی انقلاب‌های عربی از محیط شبه جزیره، به راه انداختن جنگ انحراف بود. دامن زدن به جنگ و کشمکش فرقه‌ای میان شیعه و سنی و مسلح سازی هزاران داوطلب متعصب و اعزام آنها به عراق و سوریه برای سرنگونی دولت‌های این دو کشور، بخشی از این سیاست بود. عربستان سعودی و متحدان منطقه‌ای آن چون امارات عربی متحده و قطر با حمایت‌های مالی و تسلیحاتی از گروه‌های تروریستی سلفی همچون داعش، جبهه ی النصره، احرار الشام و نظایر آن درصدد بوده است تا هم با مشغول سازی شهروندان خود و مسلمانان شبه جزیره به تضاد شیعه- سنی، امواج انقلابی را از خود دور سازد و از سوی دیگر، با ایجاد بی ثباتی در عراق، سوریه و لبنان، متحدان ایران را تضعیف کند و موازنه ی قوا را به زیان ایران و به سود خود و متحدانش تغییر دهد.

آنچه عربستان سعودی را در این راه مصمم ساخت، حمایت‌های بین المللی از سوی کشورهای اروپایی و ایالات متحده ی آمریکا بود. درحالیکه آمریکا و متحدان غربی آن در جریان امواج بیداری عربی مدعی حمایت از انقلابیون در مصر، تونس، لیبی و سوریه بودند، در برابر سرکوب اعتراض‌های شیعیان در بحرین و یمن سکوت می‌کردند و بیشتر به حمایت از سعودی‌ها می‌پرداختند. این سیاست‌های دوگانه اگرچه انتقاد بسیاری را در جهان برانگیخت (Pal, 2011; Boucek & Sajadpour, 2011; Irna, 2011)، مانع

<sup>5</sup> Hosni Mubarak



حمایت سیاست‌های سعودی در شبه جزیره و جهان عرب به ویژه در عراق و سوریه نشد. در واقع ایالات متحده از این اقدام سعودی حمایت کرد و سخنگوی کاخ سفید نیز آن را به هیچ وجه تهاجم نظامی ندانست از سوی دیگر، درحالی که بر بسیاری از پژوهشگران و سیاستمداران غربی آشکار است که حمایت‌های عربستان و متحدان آن در خلیج فارس از داعش و گروه‌های سلفی تروریست در عراق و سوریه عامل مهم تداوم فعالیت این گروه‌هاست (Boghardt, 2014). و این گروه از پژوهشگران در تحلیل‌های خود به نقش عربستان در تقویت سلفی‌گرایی تروریستی از دهه ۱۹۸۰ تا به امروز اشاره کرده و در مطبوعات غرب نیز این گونه تحلیل‌ها را منتشر کرده‌اند (Fryklund, 2015). اما نه مقامات سیاسی ایالات متحده آمریکا و نه متحدان اروپایی آن تاکنون به طور آشکار به انتقاد از سعودی‌ها یا قطر و امارات عربی متحده دست نزده‌اند (Clemons, 2014). بی شک این نوع حمایت‌ها یا سکوت آشکار در برابر سرکوب نیروهای انقلابی عربی در سال‌های پس از ۲۰۱۱ میلادی نقش مهمی در سیاست عربستان برای تهاجم به یمن در ۲۰۱۵ میلادی بازی کرد. تحلیل گرانی مانند «لینا خطیب» بر این باورند که یمن یک کارت سیاسی در دست عربستان است تا بتواند درباره موضوعاتی مانند سوریه با ایران معامله کند (Khatib, 2015: 1-4).

### اصل عدم مداخله و دعوت به مداخله نظامی در یمن

شایان ذکر است که اصل منع توسل به زور مربوط به روابط میان دولت‌هاست و در قلمرو داخلی کشورها کاربرد ندارد، به این معنا که دولت‌ها به منظور برقراری و حفظ نظم و امنیت در حوزه داخلی خود حق استفاده از قوه قهریه را دارند و این مقتضای حاکمیت آنهاست. بنابراین هر دولتی می‌تواند در موارد لزوم، از قبیل مقابله با عوامل ناامنی و سرکوب کودتاها و شورش‌های داخلی و مانند آن، به زور و نیروهای مسلح متوسل شود. البته دولت‌ها در مواجهه با این وضعیت‌های داخلی در هر حال ملزم به رعایت استانداردهای حقوق بشری<sup>۶</sup> و موازین قانونی و بین‌المللی بشردوستانه‌اند. مسئله مهمی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که موضع و واکنش دولت‌ها در قبال مسائل و بحران‌های داخلی دیگر کشورها چگونه باید باشد؟ آیا مجاز به دخالت در اینگونه امور یکدیگرند؟ آیا دولت‌ها می‌توانند در مقابله با این نوع مسائل داخلی کشور خود از سایر دولت‌ها تقاضای کمک و مداخله به ویژه مداخله نظامی کنند؟ از سوی دیگر آیا قدرت‌های خارجی می‌توانند شورشیان و گروه‌های معارض را مورد حمایت و کمک قرار دهند؟

### دعوت به مداخله نظامی در یمن

مداخله نظامی در یمن اغلب با استناد به دعوت رئیس‌جمهور این کشور توجیه شده است، هرچند دلایل و توجیحات دیگری نیز، به نحو مستقل یا در توجیه اجابت آن دعوت، مطرح شده است. اینک به طور خاص اعتبار چنین دعوتی از دو منظر تحلیل و ارزیابی می‌شود.

<sup>۶</sup> البته بعضی از تعهدات حقوق بشری در شرایط اضطراری مانند جنگ و بحران‌های داخلی ناشی از شورش‌ها یا برخی بلاای طبیعی، با رعایت آیین و شرایط قانونی می‌تواند به حالت تعلیق درآید. برای اطلاع بیشتر در این زمینه به اسناد بین‌المللی حقوق بشر به ویژه میثاق حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۴) مراجعه فرمائید.

### دعوت به مداخله در یمن از منظر رویه بین‌المللی

با تأمل در رویه‌ها می‌توان به قضاوتی واقع بینانه و منصفانه درباره مشروعیت یا عدم مشروعیت مداخله نظامی در یمن دست یافت. ضمن اینکه بدیهی است از آنجا که مداخله خلاف اصل است، هر گونه تردید در مشروعیت مداخله صورت گرفته آن را مشمول اصل ممنوعیت می‌کند و مصداق تجاوز تلقی خواهد شد. بنابراین دلایل جواز مداخله باید روشن، مسلم و به دور از هر گونه ابهام و تردید باشد. لیکن درباره یمن باید گفت اولاً، هیچ اشغال خارجی واقع نشده بود تا همانند دولت در تبعید کویت برای اعاده حاکمیت آن از دولت‌های خارجی یا سازمان‌های بین‌المللی درخواست کمک و مداخله شود. ثانیاً، به رغم ادعای منصورهادی و پنج دولت عرب مداخله گر (UNSC/ 2015/217)، در یمن هیچ گونه کودتایی رخ نداده بود که سبب برکناری و سرنگونی دولت قانونی شده باشد، بلکه واقعیات جامعه یمنی حاکی از آن بود که حکومت یمن با اعتراضات عمومی و گسترده مردم یمن مواجه بود که خواستار احیای حقوق اساسی خود و مشارکت در تعیین سرنوشت خویش بودند. اوج این اعتراضات سراسری، راهپیمایی خیابانی، و نافرمانی‌های مدنی از ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ آغاز شد و با برخوردهای خونین و خشونت آمیز دولت با مردم روبه رو شد، که شدیدترین آن در ۸ مارس (جمعه خونین) بود که ۵۰ کشته و ۲۴۰ زخمی داشت.<sup>۷</sup> حکومت به جای تن دادن به خواسته‌های به حق و قانونی مردم، با توسل به زور و خشونت به سرکوب معترضان مبادرت ورزیده و موارد عدیده‌ای از نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه توسط مقامات دولتی ارتکاب یافته است؛ این واقعیات در گزارش‌ها، بیانیه‌ها و قطعنامه‌های سازمان ملل متحد منعکس است (قطعنامه‌های ۲۰۱۴ مورخ ۲۱ اکتبر ۲۰۱۱ و ۲۰۵۱ مورخ ۱۲ ژوئن ۲۰۱۲).

در این شرایط شورای همکاری خلیج فارس و سازمان ملل متحد به عنوان میانجی وارد عمل شده و از دولت مرکزی خواسته‌اند تا اقدامات سرکوبگرانه و نقض گسترده حقوق بشر را متوقف کند و فرایند سیاسی و مسالمت آمیز انتقال قدرت را در پیش گیرد. در این زمینه خواسته شده است تا گفتوگوهای فراگیر ملی صورت گیرد و توافقنامه‌ای در مورد چگونگی فرایند انتقال قدرت و نحوه اجرای آن منعقد شود (قطعنامه ۲۰۱۴). این فرایند با ابتکار شورای همکاری خلیج فارس آغاز شد و چند مرحله نیز پیش رفت که در نتیجه آن رئیس‌جمهور یمن، علی عبدالله صالح، با شرط برخورداری از مصونیت قضایی (در حالی که مردم خواستار محاکمه او بودند) از قدرت کناره‌گیری کرد و تصدی امور به معاون وی، عبدربه منصورهادی، سپرده شد. در ادامه فرایند سیاسی، در ۲۱ فوریه ۲۰۱۲ انتخاباتی به منظور تعیین رئیس‌جمهور برای یک دوره ی دو ساله انتقالی، که تنها کاندیدای آن منصورهادی بود، برگزار شد. این در حالی است که قانون اساسی یمن وجود حداقل دو کاندیدا را برای انتخابات ریاست جمهوری لازم می‌داند (اصل ۱۰۸). به هر تقدیر مراحل بعدی فرایند سیاسی که باید توسط دولت موقت انتقالی انجام می‌گرفت، عبارت بود از انجام اصلاحات قانون اساسی و قانون انتخابات و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری مطابق قانون جدید. در اجرای این مرحله در حالی که گفتوگوها با فراز و نشیب‌هایی در جریان بود، ناگهان منصورهادی اعلام

<sup>7</sup> Wikipedia.org/wiki/fa

استعفا کرد و در ۲۱ فوریه ۲۰۱۵ به عدن و از آنجا به عمان و سپس به عربستان رفت و در شرایطی که دوره دوساله تصدی وی نیز به پایان رسیده بود، با ارسال نامه‌ای برای بازگشت به قدرت خواستار مداخله نظامی قدرت‌های خارجی در یمن شد.

با ملاحظه شرایط و واقعیات سیاسی و میدانی مربوط به یمن از یک سو و اصول و قوانین ملی و بین‌المللی ذریبط از سوی دیگر، آیا می‌توان قائل به وجود چنین حق و صلاحیتی برای رئیس‌جمهور موقت و مستعفی یمن شد که از قدرت‌های خارجی بخواهد تا برای بازگرداندن وی به قدرت در یمن اقدام به تهاجم نظامی علیه ملت و گروه‌های مبارز و انقلابی این کشور کنند؟ یا به عکس از جامعه بین‌المللی انتظار می‌رود که به ملت یمن و گروه‌های مبارز مردمی کمک کند تا بتوانند نظام سیاسی مورد خواست خود را شکل دهند؟ از منظر اصول و موازین بین‌المللی، به نحو مستفاد از دکترین و رویه‌ها، می‌توان گفت تهاجم نظامی دولت عربستان سعودی و دولت‌های همپیمان آن به یمن فاقد مشروعیت است، زیرا اگر نگوییم صریحاً ناقض اصول منع توسل به زور و عدم مداخله است، به یقین در شمول استثنای این اصول بر مورد یمن تردید جدی وجود دارد، و بدیهی است مادام که وجود استثنا به نحو قطعی و مسلم احراز نشود، اصل ممنوعیت به قوت خود باقی است. ضمن اینکه به فرض وجود زمینه مشروعیت حقوقی بین‌المللی برای پذیرش دعوت به مداخله، از منظر حقوق داخلی نیز مقام دعوت کننده باید واجد صلاحیت قانونی باشد. اما به طوریکه در ذیل بررسی خواهد شد، طبق قانون اساسی یمن چنین حق و صلاحیتی برای منصورهادی محرز نیست.

### دعوت به مداخله نظامی از منظر قانون اساسی یمن

اگرچه قانون اساسی یمن مقرر صریحی درباره مسئله مورد بحث ندارد، می‌توان به چند اصل مرتبط با موضوع مراجعه کرد. تأمل در اصول ذریبط قانون اساسی یمن نشان می‌دهد که صلاحیت رئیس‌جمهور قانونی برای دعوت از دولت‌های خارجی به مداخله نظامی محرز نبوده و به شدت مورد تردید است، چه رسد به رئیس‌جمهور موقت انتقالی و مستعفی که دوره تصدی او نیز خاتمه یافته باشد. در بررسی اصول مرتبط قانون اساسی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اصل ۳۷ قانون اساسی یمن مقرر می‌دارد که ((بسیج عمومی نیروها باید مطابق قانون و پس از تصویب مجلس نمایندگان توسط رئیس‌جمهور اعلام گردد)). اصل ۳۸ نیز شورای دفاع ملی را پیش‌بینی کرده است که ((... به منظور پرداختن به مسائل مربوط به حفظ جمهوری و امنیت آن به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل می‌شود، ترکیب، وظایف و سایر کارکردهای آن را قانون معین می‌کند)). اگر موضوع درخواست مداخله نظامی خارجی را مرتبط با حفظ جمهوری و امنیت آن در قبال بحران‌های داخلی بدانیم، که طبعاً باید مسبقاً به اعلام بسیج عمومی نیروها بوده باشد، باید مطابق

<sup>۸</sup> به رغم جستجوهای صورت گرفته قانون مصوبی در این زمینه به دست نیامد. می‌توان گفت با توجه به بحران جاری طی بیش از یک دهه اخیر در یمن، بعید به نظر می‌رسد که چنین قانونی تصویب شده باشد. ضمن اینکه در نامه‌ی موسوم به درخواست منصورهادی برای کمک و مداخله‌ی خارجی نیاز به چنین قانونی استناد نشده است، که یا حاکی از نبود چنین قانونی است یا در صورت وجود اختیاری در این خصوص برای رئیس‌جمهور پیش‌بینی نکرده است.

دو اصل یاد شده موضوع به تصویب شورای نمایندگان یا شورای امنیت ملی رسیده باشد و رئیس جمهور رأساً صلاحیت اقدام ندارد. بدیهی است اصل ۱۱۱ که رئیس جمهور را فرمانده ارشد نیروهای مسلح معرفی می‌کند، به تنهایی حاکی از صلاحیت رئیس جمهور برای دعوت به مداخله نظامی خارجی نیست، زیرا فرمان بسیج عمومی نیروها از جمله نیروهای مسلح که تحت فرمان رئیس جمهور است، منوط به مصوبه شورای نمایندگان شده است. ضمن اینکه مفاد اصل ۹۲ هم که بر لزوم تصویب پیمان‌های بین‌المللی در مجلس نمایندگان، به ویژه آنها که مربوط به دفاع، ائتلاف، سازش، صلح یا مسائل مرزی است، تصریح دارد، شاهدهی است بر اینکه دخالت نظامی خارجی بدون تصویب مجلس مشروعیت ندارد. درست است که مطابق اصل ۱۱۹ قانون اساسی یمن رئیس جمهور نمایندگی داخلی و خارجی جمهوری را دارد، اما این نمایندگی نمی‌تواند فراتر از وظایف، اختیارات و صلاحیت‌های قانونی مقرر در نظام حقوقی یمن اعمال شود. چه اینکه رئیس جمهور سوگند خورده است که وفادار به قرآن و سنت پیامبر (ص)، حافظ جمهوری، وحدت، استقلال، تمامت ارضی و پاسدار منافع و آزادی‌های مردم باشد و به قانون اساسی و سایر قوانین احترام بگذارد (اصل ۱۴۰). بدیهی است آنچه در نتیجه ی تهاجم نظامی خارجی علیه یمن به دعوت منصورهادی واقع شده نقض آشکار مفاد سوگند رئیس جمهور و مغایر وظایف قانونی اوست.

افزون بر اینکه اساساً مشروعیت منصورهادی و نمایندگی او از مردم یمن محل تردید جدی است، اگر نگوئیم قطعاً منتفی است، زیرا همان گونه که اشاره شد، طبق اصل ۱۱۶ قانون اساسی یمن هر گاه پست ریاست جمهوری خالی شود، یا رئیس جمهور برای همیشه ناتوان گردد، وظایف او موقتاً برای مدتی که بیش از ۶۰ روز نخواهد بود به عهده معاونش نهاده می‌شود، که طی این مدت باید انتخابات جدید برگزار شود. از طرفی براساس اصل ۱۰۸ (بند د) تعداد کاندیداهای ریاست جمهوری در هر انتخابات نباید از دو نفر کمتر باشد، این در حالی است که انتخابات برگزار شده توسط منصورهادی در اجرای اصل ۱۱۶ تنها با کاندیداتوری خودش صورت گرفت. بنابراین جای بسی شگفتی است که بتوان چشم را به روی همه ی این واقعیات بست و با توجیهی بسیار سطحی بدون هیچگونه منطق و استدلال موجه اخلاقی و حقوقی، تهاجم گسترده و بی‌امان عربستان سعودی و دولت‌های همپیمان آن را علیه مردم یمن، به صرف یک نامه درخواست منصورهادی، قانونی جلوه داد، یا حتی بتوان در مقابل این حملات تجاوزگرانه سکوت اختیار کرد.

علاوه بر آن، توجه به اصل منع مداخله در امور داخلی کشورها که یکی از اصول شناخته شده حقوق بین‌الملل عرفی است و در منشور ملل متحد نیز بر آن تأکید شده است، می‌تواند عدم مشروعیت حمله عربستان به یمن را تأیید کند. چنانچه در سال ۱۹۸۱ میلادی مجمع عمومی با صدور قطعنامه ی ۱۰۳/۳۶ در زمینه اجرای اعلامیه غیرقابل پذیرش بودن مداخله در امور داخلی کشورها گام دیگری در تقویت اصل عدم مداخله برداشت و اعلام کرد که اصل عدم مداخله در امور داخلی و خارجی شامل حقوق و تکالیف زیر است: ۱- خودداری از هر گونه اقدام زورمدارانه و قهرآمیزی که ملل تحت سلطه استعمار یا اشغال بیگانگان را از اعمال حق تعیین سرنوشت، آزادی و استقلال خود محروم می‌کند؛ ۲- خودداری از

سوءاستفاده و مخدوش کردن موضوعات حقوق بشری به عنوان ابزار دخالت در امور دیگر کشورها. بنا بر این دو تکلیف، آنچه مشخص است، حمله عربستان به یمن و دخالت در موضوعات داخلی این کشور، اعمال زور در تعیین سرنوشت این کشور و بر خلاف قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل و اصل عدم مداخله هست که نشان از نامشروع بودن آن از منظر این اصل دارد. به استناد بند ۱ از ماده ۵۳ منشور ملل متحد نیز عملیات عربستان سعودی و متحدانش بر ضد یمن تجاوز آشکار محسوب می‌شود، چرا که عربستان و نیروهای ائتلاف بدون کسب مجوز از شورای امنیت سازمان ملل به کشور یمن حمله کرده‌اند. در مجموع، می‌توان با قطعیت ادعان داشت که حمله عربستان و ائتلاف، تهدیدی جدی علیه صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی است. بر اساس قواعد آمره بین‌المللی یعنی اصل منع توسل به زور و اصل منع مداخله در امور داخلی کشورها، آغاز این جنگ، تجاوز به قواعد آمره بین‌المللی و کشور مستقل یمن است. بر اساس قوانین سازمان ملل، منصور هادی، رئیس‌جمهوری مستعفی یمن، به لحاظ حقوقی و قانونی نمی‌تواند از کشوری دیگر درخواست دخالت نماید و از عنصر زور کشوری دیگر علیه تمامیت ارضی کشورش استفاده نمایند و به شهروندان غیرنظامی یمن حمله نظامی کند که این، خود، به طرزی کامل بر خلاف قواعد آمره بین‌المللی است. همچنین باید به اصل ابزارهای متناسب که توسط کمیسیون در بندهای ۴-۱۹ و ۴-۲۰ در جلد اول معیارهای مداخله نظامی برشمرده شده است، توجه کرد. کمیسیون مذکور در این دو بند بیان می‌دارد که مداخله نظامی باید برای دفاع و حفاظت از انسان‌ها باشد که در آن مقیاس وسیعی از زندگی مردم غیرنظامی در معرض نسل کشی یا پاکسازی قومی قرار داشته باشد.

حال تجاوز ائتلاف با این معیارها همخوانی ندارد و نمی‌توان در قلب مسئولیت حمایت، این حملات را توجیه کرد. ضرورت و تناسب که از اصول کلی حقوق بین‌الملل است، در مقام دفاع از خود نیز باید اجرا گردد که دیوان بین‌المللی دادگستری نیز بر آن تأکید کرده است (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۲: ۴۹۶)، که در قضیه یمن، این قضیه از سوی متجاوزین، مورد خدشه شدید قرار گرفته است.

بر این اساس، نفس مداخله نظامی و شروع جنگ عربستان علیه مردم یمن نیز به رغم برخی حمایت‌ها از سوی بعضی دولت‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای، از منظر حقوق بین‌الملل، به هیچ عنوان توجیه‌پذیر و قابل دفاع نبوده، مشروعیت ندارد و قابل پیگیری بین‌المللی است.

### ائتلاف عربستان؛ جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی و نسل کشی مردم یمن

در این بخش به بررسی حمله ائتلاف (از بعد جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی و نسل کشی) علیه مردم یمن می‌پردازیم.

#### - جنایت علیه بشریت

جنایت علیه بشریت عنوان مجموعه رفتارهایی است که به موجب ماده (۷) اساسنامه رم جرم‌انگاری شده است. به موجب این ماده، جنایت علیه بشریت مجموعه اعمالی است که در وضعیت گسترده یا سازمان‌یافته و در پی مقاصد یک دولت علیه جمعیت غیرنظامیان ارتکاب می‌یابد. آنچه رژیم سعودی در یمن علیه

غیرنظامیان، کودکان و زنان انجام می‌دهد، عناوین مجرمانه متعددی را شامل می‌شود که در ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به عنوان مصادیق اعمال جنایت علیه بشریت نیز آمده است. جنگ عربستان سعودی علیه یمن سبب قتل و آوارگی شمار زیادی از مردم یمن شده است. یمنی‌ها، علاوه بر آوارگی، با مشکلات مهم دیگری از جمله محروم شدن کودکان از تحصیل، تجاوز به زنان و دختران، از دست دادن خانه و کاشانه و شغل خود مواجه شده‌اند. همچنین، مشکلات بهداشتی و گرسنگی نیز گریبان‌گیر مردم این سرزمین شده است. هر یک از این مشکلات ابعاد دیگری از جنایت علیه بشریت را تشکیل می‌دهند که توسط نیروهای ائتلاف علیه یمن به طور آشکارا رخ داده است. در این راستا، حقوق کودکان در حمله نظامی رژیم سعودی به یمن به طرز آشکار نقض شده است. بر اساس گزارش‌ها، ائتلاف سعودی نیمی از حملات را علیه مدارس و بیمارستان‌ها انجام داده است. بر اساس جدیدترین گزارش‌ها، در خلال جنگ علیه یمن، ۲ میلیون کودک یمنی با سوء تغذیه، معلولیت و وبا دست به گریبان شده‌اند. دو سوم جمعیت کشور یمن (نزدیک به ۱۹ میلیون نفر) به نوعی به کمک‌های اضطراری نیاز دارند و ۴/۵ میلیون کودک هم از سوء تغذیه رنج می‌برند که این اتفاقات، بدون هیچ شک و شبهه‌ای، جنایت ائتلاف عربستان علیه بشریت در یمن است.

### – جنایات جنگی

جنایت جنگی، جنایاتی است که ارتکاب آنها در درگیری‌های مسلحانه، موجب نقض فاحش حقوق بشردوستانه می‌شود. بر اساس اصول حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی که به علت عرفی بودن برای همه کشورها لازم‌الاجرا می‌باشند، اماکن درمانی مانند بیمارستان‌ها، اماکن مذهبی و تاریخی و تأسیسات زیربنایی کشورها مصون از حمله و تخریب هستند و طرف مرتکب مشمول جرائم جنگی می‌گردد. آنچه در طول جنگ علیه یمن به صورت آشکار رخ داده، هدف قرار گرفتن کارخانه‌ها، پل‌ها، مدارس و بیمارستان‌ها و غیره است. به این شکل، ائتلاف سعودی بارها به بیمارستان‌ها، مساجد و مراکز فرهنگی و تاریخی یمن و تأسیسات زیربنایی آن حمله کرده و تلفات گسترده‌ای را ایجاد کرده است. از سوی دیگر، در مورد به‌کارگیری تسلیحات، قواعد حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی، استفاده از سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیک، منبسط شونده و گلوله‌های انفجاری را ممنوع کرده، ولی ائتلاف سعودی به اذعان سازمان بین‌المللی دیده‌بان حقوق بشر و کمیساریای عالی آن از بمب‌های غیرمتعارف چون بمب‌های خوشه‌ای که از مصادیق جرائم جنگی بوده، بارها استفاده کرده است. از این رو، جرم جنایات جنگی این ائتلاف در این مورد نیز مشهود و قابل اثبات است. از جمله دیگر جنایات جنگی، ممانعت از ارسال کمک‌های بشردوستانه صلیب سرخ جهانی به قربانیان (نظامی یا غیرنظامی) در حملات ائتلاف عربی علیه یمن است که علاوه بر اینکه نقض کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو است، جنایت جنگی هم محسوب می‌شود. حمله به سیلوهای گندم، نیروگاه برق صنعا و تنها نیروگاه برق استان صعده و فرودگاه صنعا و انهدام هواپیماهای مسافربری جهت ممانعت از ارسال کمک‌های بشردوستانه ایران از جمله جنایات جنگی دیگر عربستان و کشورهای ائتلاف عربی است. بر این پایه، می‌توان با قطعیت گفت که اکثر رفتارهای ائتلاف عربستان در قلمرو یمن مصداق جنایات جنگی است. کشورهای بحرین، قطر، کویت، امارات، مغرب، سودان، اردن و مصر که از جمله کشورهایی بوده که

به رهبری عربستان به یمن حمله کرده‌اند، هریک به سهم خود در ارتکاب این جنایات جنگی مقصر هستند و چنین جنایاتی قابل پیگرد بین‌المللی برای هر یک از کشورهای مزبور به طور مجزاست.

### - نسل‌کشی

موضوع دیگر، ارتکاب آل سعود به جنایتی دیگر یعنی نسل‌کشی است. بر اساس اسناد بین‌المللی، هرگونه اقدام سازمان‌دهی شده برای نابودی و حذف فیزیکی کل یا بخشی از یک گروه ملی، قومی و مذهبی، نسل‌کشی و جرمی بین‌المللی محسوب می‌شود. طبق این، می‌توان با توجه به تشکیل ائتلاف، نظام‌نبودن حمله و کشتار وسیع مردم یمن به صرف دفاع‌شان از حقوق شهروندی و دینی خود، عناصر تشکیل‌دهنده جرم بین‌المللی «نسل‌کشی» در یمن را مشاهده نمود. نسل‌کشی نیازمند احراز سوءنیت مرتکبین برای اقدام به نسل‌کشی و از بین بردن گروهی قومی، ملی، مذهبی و نژادی هست. مطابق ماده ۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، رفتارهایی که دولت عربستان نسبت به مردم یمن و گروه ملی انصارالله در نظر گرفته را می‌توان به عنوان نسل‌کشی مورد تحقیق و پیگیری قرار داد. (فضائلی، ۱۳۹۵) تلاش برای نابود سازی عمدی گروه مذکور که گروهی ملی و مذهبی در یمن به شمار می‌رود، از طریق صدمه شدید جسمی یا روانی و قراردادن عمدی آنان در شرایط زیستی نامناسب (از جمله وضعیت نامناسب تغذیه، بهداشت، تقلیل یا جلوگیری از خدمات ضروری پزشکی و غیره) مهم‌ترین مصادیق تفهیم اتهام به عربستان و نیروهای ائتلاف در خصوص احراز جرم نسل‌کشی است.

### مبانی حقوقی اقدامات سازمان ملل در قبال یمن

از منظر حقوق بین‌الملل، شورای امنیت در راستای اعمال «صلاحیت اولیه» خود در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و ((صلاحیت انحصاری)) در احراز وجود هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز، اقدام به اتخاذ تصمیماتی می‌نماید که در اجرای این تصمیمات، اعضای ملل متحد بر اساس ماده ۲۵ منشور و غیر اعضا بر اساس بند ۶ ماده ۲ منشور، دارای تعهدات الزام آور می‌باشند. از جمله این تعهدات، تعهد دولت‌های طرف اختلاف به انجام اقداماتی نظیر مذاکره، میانجیگری، سازش، داوری، رسیدگی قضایی، توسل به مؤسسات یا ترتیبات منطقه ای یا سایر وسایل مسالمت آمیز جهت حل اختلاف خود می‌باشد که پیش شرط انجام کلیه این اقدامات، وجود حداقلی از همکاری میان طرف‌های اختلاف می‌باشد. علاوه بر این، در موارد نقض صلح و امنیت بین‌المللی، دولت‌ها مکلف به اجرای تصمیمات شورای امنیت در خصوص اقدام به توقف تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و ارتباطات ریلی، دریایی، هوایی، پستی، تلگرافی، رادیویی و سایر وسایل ارتباطی و قطع روابط سیاسی و نیز مکلف به در اختیار گذاشتن نیروهای مسلح و ارائه تسهیلات لازم جهت عبور نیروهای نظامی می‌باشند که در تمامی این موارد، وجود همکاری میان دولت‌ها امری بدیهی و الزامی است.

بر اساس مقررات منشور، شورا با احراز وضعیت تهدید یا نقض صلح و امنیت بین الملل و بر اساس صلاحیت‌های برگرفته از مواد ۲۴ و ۳۹ منشور ملل متحد، صلاحیت مداخله در اموری را داراست که این موضوعات اصالتاً تحت شمول حقوق بین الملل کیفری می‌باشد.

از آنجایی که بر اساس ماده ۳۹ منشور، شورای امنیت پس از احراز وجود هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز، صلاحیت اتخاذ اقداماتی بر اساس مواد ۴۱ و ۴۲ منشور را دارد، منشور علاوه بر این که صلاحیت احراز وضعیت‌های تهدید یا نقض صلح را بر عهده شورا گذاشته است، صلاحیت انطباق مصادیق عینی با این وضعیت‌ها و نیز تصمیم‌گیری راجع به اقدامات مناسب جهت حفظ صلح یا اعاده صلح و امنیت بین المللی را نیز برای شورای امنیت شناسایی نموده است. به دنبال تحرک ارکان سازمان ملل متحد در قبال قضیه یمن، شورای امنیت نیز قطعنامه‌هایی را که بدان اشاره خواهیم نمود در چارچوب فصل هفتم منشور صادر کرد.

### مسئولیت حمایت در خصوص کشور یمن

یمن در مجموع با چهار چالش عمده روبه روست که ثبات و امنیت داخلی این کشور و اثرگذاری آن بر امنیت منطقه‌ای و بین المللی را شکل می‌دهد. این چهار چالش عبارت‌اند از: مسئله حوثی‌ها در شمال، تجزیه طلبی در جنوب، افزایش فعالیت القاعده و چالش روابط با عربستان سعودی. مشکلات و مسائل داخلی یمن (حوثی‌ها، تجزیه طلبان، القاعده و سعودی‌ها) با توجه به شرایط و اوضاع اقتصادی و اجتماعی یمن آینده سیاسی این کشور را در حاله‌ای از ابهام قرار داده است. بسیاری از متخصصان مسائل تروریسم بین الملل، یمن را در کنار سومالی، دو نامزد آینده فعالیت القاعده می‌دانند. ناتوانی دولت یمن در فائق آمدن بر سه چالش نخست و ضعف ساختارهای اقتصادی آن، این کشور را به صورت منبع تهدیدی بالقوه نشان می‌دهد که در صورت بی توجهی جامعه جهانی می‌تواند به فعل درآمده، یمن را به بهشت موعود دهشت افکنان القاعده تبدیل کند (صادقی و احمدیان، ۱۳۸۹: ۲۷۳).

دامنه اعتراض‌های مردمی در کشورهای عربی دامن کشور یمن را نیز فرا گرفته است. در سال ۲۰۱۱، اعتراضات مردم یمن بی وقفه ادامه داشته است. رئیس‌جمهور یمن، علی عبدالله صالح، در برابر این اعتراضات، برخی اصلاحات را خواستار شد و برای واگذاری قدرت مقابله می‌کند. تشدید اعتراضات موجب گردید تا عبد ربه منصور هادی رئیس‌جمهور یمن از سمت خود استعفا کرده، و ابتدا به عدن و از آنجا به عمان و سپس به عربستان رفت. با استعفای رئیس‌جمهور یمن حوثی‌ها در یمن قدرت گرفته‌اند. سابقه ظهور حوثی‌ها به سال ۱۹۹۱ باز می‌گردد؛ در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰، حوثی‌ها شش مرتبه با دولت یمن و حتی عربستان سعودی وارد جنگ شدند؛ اما به رغم همه این درگیری‌ها در نهایت توانستند نفوذ خود را به خارج از مقر اولیه این گروه در شمال یمن، گسترش دهند. شرایط به طور عمده در سال ۲۰۱۱ و در زمان تظاهرات گسترده و ناآرامی‌های سیاسی در یمن در پی بهار عربی در کشورهای همسایه و فلج شدن دولت وقت در صنعا، تغییر کرد و حوثی‌ها بدون هیچ مشکلی قدرت را از نیروهای ارتش گرفتند. از



سوی دیگر، افزایش قدرت حوثی‌ها در یمن به افزایش نگرانی گروه‌های مخالف و رقیب منجر و سبب شد این گروه‌ها برای مقابله با حوثی‌ها برای ایجاد اتحادهای مخاطره آمیز برای امنیت کشور (برای نمونه اتحاد با القاعده در شبه جزیره عربی)، تلاش کنند (بارفی، ۱۳۹۳: ۳).

سعودی‌ها که هرگز شیعیان را در همسایگی خود نمی‌توانند تحمل کنند از هیچ اقدامی علیه آنها دریغ نکرده‌اند آنها علاوه بر حمایت از قبایل سلفی همواره در امور داخلی یمن دخالت کرده‌اند (توسکی، ۱۳۹۳: ۱۹). در ۲۵ مارس ۲۰۱۵ ائتلافی از برخی کشورهای عرب منطقه به رهبری عربستان سعودی حملات هوایی خود را با ((توفان قاطعیت = عملیه عاصفه الحزم)) علیه یمن آغاز کردند. در این عملیات‌ها زیرساخت‌ها از بین رفته، کارخانه‌ها منهدم شده و قوانین جنگ نقض شده و شمار کشته شدگان به بیش از ۵۰۰۰ هزار نفر رسیده است (فضایلی، ۱۳۹۵: ۷۰-۴۱). آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان و بسیاری از کشورهای دیگر غربی از تلاش‌های نیروهای ائتلاف حمایت کرده و به فروش سلاح‌های خود به نیروهای تحت رهبری عربستان و ارائه کمک‌های فنی و ارسال مستشاران نظامی ادامه می‌دهند. بحران فوق علاوه بر جنبه‌های مختلف نظیر مداخله نظامی در یمن از منظر حقوق بین الملل، چالش‌های دولت ملت سازی در یمن، نقض حقوق بشر و اصل حق تعیین سرنوشت ملت‌ها توسط عربستان سعودی در یمن و... از دیدگاه اعمال مسئولیت حمایت نیز واجد اهمیت و قابل بررسی است. زیرا در بحران یمن انتظار می‌رفت سازمان‌های بین المللی به لحاظ نظری با استانداردهای بین المللی، پیش بروند، رویه یکسانی را نسبت به تمام کشورها در پیش گیرند و طبق اساسنامه و مقررات جامعه بین المللی دست به اقدامات عادلانه‌تری بزنند. اگرچه این شکل از مدیریت بحران‌ها و عدم پیگیری و عدم رعایت حقوق بین المللی توسط سازمان‌های بین المللی مخصوصاً شورای امنیت، بارها مورد اعتراض کشورهای عضو قرار گرفته است که اصلاح ساختار شورای امنیت را امری ضروری ساخته است. عدم پیگیری، اقدام به صورت گزینشی و داشتن معیارهای دوگانه از مسایلی است که اعتراضاتی را به دنبال داشته است.

### مسئولیت پیشگیری دولت یمن بر مبنای مسئولیت حمایت

کشور یمن از سال‌های قبل از اتحاد دو یمن جنوبی و شمالی درگیر منازعات قبیله‌ای و دینی و سرزمینی بود. و پس از اتحاد دو سرزمین نیز این منازعات ادامه داشت. علی عبدالله صالح پس از رسیدن به حکومت تا پایان ریاست جمهوری‌اش پس از بیش از سی سال، تبعیضات و خشونت‌ها و استبداد را بر این سرزمین حکمفرما کرده بود. پس از انقلاب سال ۲۰۱۱ رژیم علی عبدالله صالح مبنای بر سرکوب گذاشت و دست به خونریزی و سرکوب معترضان نمود. بر پایه مسئولیت حمایت، حکومت مرکزی مسئولیت پیشگیری از این اقدامات را بر عهده دارد. در این راستا با آغاز بیداری عربی و شعله ور شدن آتش تحولات در یمن، شورای همکاری خلیج فارس با مدیریت و هدایت عربستان، پیشنهادی تحت عنوان ((طرح خلیجی)) ارائه داد. در این معنا، شیوه کنش شورای همکاری در قبال تحولات خاورمیانه از موضع انفعالی اولیه به موضع کنش فعالانه تغییر یافت. به همین دلیل، دو هفته پس از ورود نیروهای عربستان و امارات به بحرین، شورای همکاری ابتکار خود را برای بحران یمن مطرح ساخت. اهمیت این طرح بدان علت بود که برای اولین بار

کشورهای همسایه یمن رسماً خواستار کناره گیری صالح شدند و ایالت متحده نیز در این مسأله با شورای همکاری هم داستان شد. ابتکار شورای همکاری از پنج بند به عنوان اصول اساسی و ۱۰ بند به عنوان اصول اجرایی تشکیل می‌شد. گذشته از اصول اساسی که بر حفظ وحدت یمن، رفع نمودهای ناامنی و بی ثباتی، گذشت و عدم انتقام جویی از سوی تمام طرف‌های درگیر در بحران یمن تأکید می‌کند، جزئیات این ابتکار در ۱۰ بند اجرایی آمده است. در بند نخست این توافق، به تشکیل دولت وحدت ملی با مشارکت حزب حاکم و احزاب مخالف (ائتلاف دیدار مشترک)، هر یک با نسبت ۵۰ درصد اشاره شده است. روشن است این بند، بحران یمن را در چارچوبی رسمی محصور می‌سازد؛ به عبارتی، ائتلاف دیدار مشترک اعتراضات را به راه انداختند و اکنون سهم خود را از قدرت دریافت می‌کنند، در حالی که معترضان یمنی بارها بر فاصله خود از این احزاب، که در نظام حامی پرور و پدرسالار صالح شریک‌اند، تأکید کرده‌اند. در واقع، برخی این بند را به دور زدن اراده معترضان یمنی از طریق تقسیم قدرت با احزاب مخالف تعبیر کرده‌اند. این احزاب با نظام مشکلی اساسی ندارند و از زمانی که به اعتراضات پیوستند صرفاً بر رفتن صالح و نه تغییر نظام تأکید کرده‌اند. بر اساس ابتکار شورا، در بیست و نهمین روز امضای توافق، پارلمان یمن، از جمله اپوزیسیون قوانینی را تصویب می‌کنند که به رئیس جمهور و کسانی که با وی کار کرده‌اند مصونیت می‌دهد. یک روز پس از آن علی صالح استعفای خود را تقدیم پارلمان می‌کند. این امر به دلیل اعتراضات مردمی گسترده‌ای که در پی داشت با اندک تعدیل‌هایی به تصویب پارلمان رسید. بر اساس طرح تعدیل شده، صالح از مصونیت کامل برخوردار شد، اما مصونیت کسانی که با وی کار کردند محدود به مأموریت‌های سیاسی رسمی آن‌ها می‌شود و سایر موارد را شامل نمی‌شود. پس از استعفای رئیس جمهور، معاون وی، رئیس جمهور نیابتی خواهد بود که بر اساس قانون موجود، پس از دو ماه دعوت به انتخابات می‌کند. رئیس جمهور منتخب کمیته‌ای برای اشراف بر تدوین قانون اساسی جدید تشکیل می‌دهد و قانون پس از تدوین به همه پرسى گذاشته می‌شود. چنانچه قانون اساسی به تأیید ملت برسد، انتخابات پارلمانی جدید بر اساس آن زمان بندی خواهد شد و پس از انتخابات پارلمانی، رئیس جمهور از حزب پیروز در انتخابات خواستار تشکیل دولت می‌شود. در بند دهم این ابتکار به نظارت کشورهای شورای همکاری، ایالت متحده و نیز اتحادۀ اروپا بر اجرای این ابتکار اشاره شده است. بر اساس این توافق، صالح استعفا کرد، و عبدربه منصور هادی، معاون وی، رئیس جمهور موقت یمن شد (احمدیان ۱۳۹۰: ۱۱۰). بر پایه طرح خلیجی، علی عبدالله صالح، رئیس جمهور اسبق یمن از قدرت کناره گیری کرده و عبدربه منصور هادی معاون علی عبدالله صالح، به سمت ریاست جمهوری گمارده شد. شورای همکاری خلیج فارس قصد داشت با ارائه این طرح، نظم دچار اغتشاش و دگرگونی شده یمن را مدیریت کرده و آن را به نظم مطلوب پیشین که تأمین کننده منافع آل سعود بود، بازگرداند. بر اساس طرح خلیجی که در سال ۲۰۱۲ اجرایی شد عبدربه منصور هادی ۲ سال مهلت یافت تا در دوره انتقالی به مطالبات انقلابیون پاسخ داده و به آنها جامه عمل ببوشاند. از جمله این مطالبات، تدوین قانون اساسی، ایجاد مکانیسم‌هایی برای برگزاری انتخابات آزاد، مبارزه با القاعده، سامان بخشیدن به وضعیت جنوب و مبارزه با فساد بود که در چارچوب قطعنامه ۲۲۵۱ شورای امنیت و ذیل فصل

هفتم تصویب شده و لزوم عملیاتی شدن آن جنبه حقوقی به خود گرفت<sup>۹</sup>. اما عبدربه منصور هادی در متحقق ساختن قطعنامه ۲۲۵۱ شکست خورد.

همچنین دیگر اقداماتی که جامعه جهانی در خصوص حمله ائتلاف به یمن از این باب انجام داد موارد زیر می‌باشد:

- بان کی مون، دبیر کل وقت سازمان ملل در ۲۲ ژانویه سال ۲۰۱۵ در بیانیه‌ای نسبت به تحولات صورت گرفته در یمن اظهار نگرانی کرد و از تمامی طرف‌ها خواست تا در مسیر گفت‌وگو با مشاور ویژه وی باقی بمانند.<sup>۱۰</sup>

- زید عبدالحسین<sup>۱۱</sup> کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل در ۳۱ مارس ۲۰۱۵، وضعیت در یمن را بسیار هشدار دهنده دانست و گفتند که به نظر می‌رسد این کشور در آستانه فروپاشی کامل قرار دارد. والری آموس<sup>۱۲</sup> مسئول امور بشردوستانه سازمان ملل ضمن ابراز نگرانی شدید درباره درگیری‌ها در یمن از طرف‌های درگیر در این کشور خواست تا همه تلاش خود برای حمایت از شهروندان یمنی را به کار بگیرند. وی در ادامه افزود: ده‌ها هزار یمنی منازل خود را ترک و بیشتر آنها به سمت جیبوتی و سومالی مهاجرت کردند ((Fa.abna,2015).

- بایستی گفت که مواد ۴۴ و ۵۱ پروتکل یکم الحاقی، ماده ۳ مشترک عهدنامه‌های چهارگانه ژنو بر لزوم اتخاذ تدابیر احتیاطی برای تفکیک بین اهداف نظامی و غیرنظامی و همچنین جمعیت غیرنظامی و نظامی تأکید دارد و از حملاتی که ممکن است منجر به ایراد خسارت جانی به غیرنظامیان و اموال غیرنظامی گردد، خودداری شود (دوسوالد بک و هنکرتز، ۱۳۸۷: ۸۰).

- صلیب سرخ جهانی خواسته است پیش از آنکه شمار مجروحان درگیری‌ها در یمن افزایش یابد هر چه زودتر در این کشور آتش‌بس موقت برقرار شود. بر اساس گزارش صلیب سرخ تعداد زیادی از مردم یمن در حملات هوایی و زمینی زخمی شده‌اند و اگر فوراً کمک‌های درمانی غذا، آب و ملزومات شخصی به آنها نرسد، جان خود را از دست خواهند داد (Fa.Alalam,2015). روبرت ماردینی<sup>۱۳</sup> رئیس بخش عملیاتی سازمان صلیب سرخ در خاورمیانه گفته است: اگر نبرد در یمن فوراً متوقف نشود قطعاً مردم بیشتری خواهند مرد و شانس زنده ماندن زخمی‌ها به واکنش ما در چند ساعت آینده بستگی دارد و نه به چند روز آینده. این سازمان اعلام کرد که بسیاری از نقاط کشور از کمبود سوخت و آب رنج می‌برد.

<sup>9</sup> UN Security Council, Security Council resolution 2251 (2015) [on extension of the mandate of the UN Interim Security

Force for Abyei (UNISFA) until 15 May 2016], 15 December 2015, S/RES/2251 (2015), available at: <http://www.refworld.org/docid/56ec04a04.html> [accessed 6 November 2017].

<sup>10</sup> <http://www.un.org/press/en/2015/sgsm16480.doc.htm>

<sup>11</sup> Zeid Ra'ad Al Hussein

<sup>12</sup> Valerie Amos

<sup>13</sup> Robert Mardine

- همچنین طبق گزارش سازمان ملل در تاریخ ۲۰ جولای ۲۰۱۵، هشتاد درصد از جمعیت یمن نیاز به کمک دارند و بیش از یک میلیون نفر از مردم آواره شده‌اند و بیش از ۳۷۰۰ نفر کشته شده‌اند و همچنین بیش از ۱۸ هزار نفر زخمی ثبت شده است. وضعیت بهداشت در معرض خطر جدی قرار دارد. در این بحران وضعیت حاد غذایی نیز قابل ذکر است و سوء تغذیه ناشی از کمبود مواد غذایی در حال افزایش است.

- آقای استفان اوبران<sup>۱۴</sup> معاون دبیرکل امور بشردوستانه و هماهنگ کننده کمک‌های اضطراری در گزارشی از وضعیت فاجعه بار انسان دوستانه در یمن سخن گفت و از گرسنگی شدید و کمبود کمک‌های پزشکی و گلوله باران و بمباران سخن به میان آورد و به نبود نشانه‌های فروکش آن اشاره کرده و توقف فوری و بی قید و شرط درگیری را خواستار شد.<sup>۱۵</sup>

- در این راستا سازمان ملل متحد نیز از نیاز بیش از ۲۱ میلیون نفر یعنی ۸۲ درصد مردم این کشور به کمک‌های بشردوستانه عمومی خبر داد و کمیساریای عالی سازمان ملل از نقض روزانه به طور میانگین ۴۳ نقض حقوق بشر در روز خبر داد.<sup>۱۶</sup>

- جمال بن عمر<sup>۱۷</sup>، فرستاده خاص سازمان ملل متحد برای یمن از خشونت‌های بیشتر در این کشور هشدار داد. ایشان در جلسه شورای امنیت با بیان اینکه یمن در لبه پرتگاه قرار دارد، تصریح کرد: احتمال از سرگیری درگیری‌های شدید هر لحظه وجود دارد (Sharp, 2015: 16)

- در حملاتی که ائتلاف به رهبری عربستان سعودی به مناطق غیرنظامی انجام می‌گرفت، مدارس نیز به کرات مورد بمباران قرار می‌گرفت که عفو بین الملل در یازده دسامبر ۲۰۱۵ از عمدی بودن این حملات خبر داد و اعلام کرد که این حملات نقض قوانین بشردوستانه بین المللی و از جنایات محسوب می‌شود.<sup>۱۸</sup> این سازمان در ۱۶ ژانویه طی گزارشی از استفاده ائتلاف به رهبری عربستان سعودی از بمب‌های خوشه‌ای خبر داد و خواستار توقف این رویه شد.<sup>۱۹</sup> پزشکان بدون مرز نیز متعاقباً در ۱۰ ژانویه ۲۰۱۶ از مورد حمله قرار گرفتن بیمارستان‌های پزشکان بدون مرز توسط ائتلاف به رهبری عربستان سعودی خبر داد که در چندین نوبت صورت گرفته است و به عنوان الگوی نگران کننده از حملات به خدمات پزشکی ضروری، محکوم کرد.<sup>۲۰</sup>

- از سوی دیگر، ائتلاف مدنی یمن ویژه رصد تجاوزات عربستان در گزارشی درباره جنایت‌های این کشور علیه شهروندان یمنی اعلام کرد که این تجاوزات عمدتاً در فرودگاه‌ها، نیروگاه‌های برق، انبارهای مواد

<sup>14</sup> Stephen O'

<sup>15</sup> <http://reliefweb.int/report/yemen/under-secretary-general-humanitarian-affairs-and-emergency-relief-coordinator-stephen-o>

<sup>16</sup> <http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=52638&Kw1=yemen&Kw2=&Kw3=#.VpfdR1KJ2So>

<sup>17</sup> Jamal bin Omar

<sup>18</sup> <https://www.amnesty.org/en/latest/news/2015/12/bombing-of-schools-by-saudi-arabia-led-coalition-in-yemen/>

<sup>19</sup> <https://www.amnesty.org/en/documents/mde31/3208/2016/en/>

<sup>20</sup> <http://www.msf.org/article/yemen-another-msf-supported-hospital-bombed>

غذایی، بیمارستان‌ها، مدارس و اردوگاه‌های پناهندگان صورت می‌گیرد که همین مساله منجر به آوارگی هزاران یمنی شده است.

شایان ذکر است که بر اساس ماده ۱۹ عهدنامه اول ژنو (اسماعیل نسب، ۱۳۹۳) واحدهای بهداری نباید تحت هیچ عنوانی موردحمله قرار گیرند و بلکه باید توسط دولت‌های متخاصم، محترم شمرده شوند.<sup>۲۱</sup> همچنین ماده ۵۲ پروتکل اول الحاقی به عهدنامه‌های چهارگانه ژنو، حمله به اموال غیرنظامی را ممنوع اعلام می‌دارد و در صورت تردید نسبت به اموالی مانند مکان‌های عبادی، خانه و مدرسه که مورد استفاده نظامی قرار گرفته‌اند، باید فرض را بر عدم چنین نقشی گذاشت.<sup>۲۲</sup>

همچنین در قالب مسئولیت حمایت باید گفت که این دکترین هم برای حمایت از غیرنظامیان و هم نظامیان و در هر دو شرایط صلح و مخاصمه بیان گردیده است که بر این اساس حتی انجام جنایات مدنظر این دکترین، علیه نظامیان نیز موجب اعمال مسئولیت حمایت می‌شود (کازرونی، ۱۳۸۳: ۸۷).

- سازمان بهداشت جهانی به دفعات بر بحران انسانی و بهداشتی در یمن تأکید داشت که در ادامه به تعدادی از هشدارها و گزارش‌های آن می‌پردازیم.

این سازمان در ۲۷ می ۲۰۱۵ اعلام کرد که از آغاز تجاوزات سعودی علیه یمن تاکنون، ۲۰۰۰ نفر کشته و ۸۰۰۰ نفر از جمله زنان و کودکان زخمی شده‌اند، و هشت و نیم میلیون نفر به نیازهای فوری پزشکی نیاز دارند.<sup>۲۳</sup>

سازمان بهداشت جهانی در ۲۷ مارس ۲۰۱۶ نیز اعلام کرد که از مارس ۲۰۱۵، ۶۲۰۰ نفر کشته و سی هزار نفر مجروح شده‌اند و ۲۱ میلیون نفر یعنی ۸۲ درصد جمعیت این کشور، نیاز به کمک‌های بشردوستانه دارند. در ادامه این گزارش بر عدم دسترسی ۱۹ میلیون نفر به آب سالم و بهداشتی اشاره و از سوءتغذیه ۲ میلیون کودک، هشدار داد.<sup>۲۴</sup>

در ۲۷ اکتبر ۲۰۱۶ نیز این سازمان اعلام کرد که نیمی از امکانات بهداشتی و درمانی در حالت تعطیلی یا سرویس دهی اندک قرار دارد و از آسیب ۲۷۴ ساختمان پزشکی و درمانی خبر داد.<sup>۲۵</sup>

- همچنین طبق گزارش سازمان ملل در تاریخ ۲۰ جولای ۲۰۱۵، هشتاد درصد از جمعیت یمن نیاز به کمک دارند و وضعیت بهداشت در معرض خطر جدی قرار دارد و وضعیت ابتلا به بیماری‌ها در حالت اضطراری

<sup>21</sup> The Geneva conventions of 12 august 1949, article 19

<sup>22</sup> Protocols I additional to the GENEVA CONVENTIONS OF 12 AUGUST 1949, article 52

<sup>23</sup> <http://www.who.int/mediacentre/news/statements/2015/yemen-situation/en/>

<sup>24</sup> <http://www.emro.who.int/media/news/health-situation-in-yemen-critical-as-violent-conflictenters-second-year.html>

<sup>25</sup> <http://www.emro.who.int/media/news/who-releases-emergency-funds-to-support-choleraresponse-in-yemen.html>

قرار دارد. در این بحران وضعیت حاد غذایی و سوء تغذیه ناشی از کمبود مواد غذایی در حال افزایش است.<sup>۲۶</sup>

- اوضاع رو به وخامت وضعیت غذایی و امنیتی مردم غیرنظامی در یمن، خانم الویرر<sup>۲۷</sup> کارشناس سازمان ملل را مجبور کرد تا از اصطلاح جنایت جنگی استفاده کند. ایشان با اشاره به نیاز بیش از ۱۲.۹ میلیون نفر به مواد غذایی اساسی و از گرسنگی احتمالاً عمده شهروندان یمنی ابراز نگرانی کرد و اعلام کرد که در گرسنگی عمده در منازعات مسلحانه بین المللی و داخلی ممکن است یک جنایت جنگی باشد و همچنین در صورت ممانعت عمده از رسیدن غذا به افراد، می تواند یک جنایت علیه بشریت باشد.<sup>۲۸</sup>

بند ب ماده ۷ دیوان کیفری بین المللی تحمیل عمده وضعیت همچون محرومیت از دسترسی به غذا و دارو را جزو جنایت علیه بشریت می داند.<sup>۲۹</sup>

در مورد مسئولیت پیشگیری اگر نیازهای مردم یمن قبل از شروع بحران مد نظر قرار می گرفت و رفع می شد، دیگر انقلابی انجام نمی گرفت یعنی عللی همچون تقسیم قدرت قانونی، تأمین آزادی مطبوعات، دموکراتیزه کردن نهادها و ... باید انجام می گرفت که در نهایت انجام نگرفت.

### مسئولیت واکنش جامعه بین المللی در بحران یمن بر مبنای مسئولیت حمایت

پس از آنکه کلیه اقدامات پیشگیرانه، با ناکامی مواجه شدند، اجرای مسئولیت پیشگیری از سوی جامعه بین المللی جای خود را به مسئولیت واکنش می دهد. مسئولیت واکنش، خود در دو مرحله و در دو سری اقدامات اجرایی متفاوت جهت کنترل و توقف نقض شدید و گسترده حقوق بشر صورت می گیرد. در وهله اول، اجرای مسئولیت واکنش، اقداماتی باید انجام شود که فاقد وصف نظامی هستند؛ لذا پیش از بکارگیری هرگونه گزینه نظامی، می بایست سیر اقدامات اقتصادی، سیاسی و امنیتی، حقوقی و حتی اجتماعی و فرهنگی انجام شوند. سپس در صورت شکست اقدامات کمتر قهری و در مواردی که اثبات شود اقدامات پیشگیرانه و واکنشی غیرنظامی برای حل موضوع کفایت نمی کند اجرای مسئولیت حمایت از سوی جامعه بین المللی در موارد استثنایی، معطوف به استفاده از نیروی نظامی خواهد شد. رکن مسئول برای مدیریت و تصمیم گیری در مرحله واکنش و صدور مجوز برای اعمال مسئولیت واکنش نظامی شورای امنیت ملل متحد است. نهادی که حاصل ساختار قدرت جهانی در سال ۱۹۴۵ می باشد (گلشن پژوه، ۱۳۸۸: ۱۳۶) و مسئولیت حفظ و امنیت بین المللی را بر عهده دارد (آقایی، ۱۳۷۵: ۵۸). یک ارگان اجرایی کوچک با عملکرد مداوم، که به هنگام تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی اقدام به اتخاذ تصمیمات سریع و موثر نموده و مکانیزم اجبارکننده پیش بینی شده در فصل هفتم منشور را به کار می اندازد (باوت، ۱۳۷۲: ۵۱؛ نیاکی،

<sup>26</sup> <http://reliefweb.int/report/yemen/yemen-humanitarian-emergency-situation-report-no-16-20-july-2015>

<sup>27</sup> Hilal Elver

<sup>28</sup> <http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=51605#.VdnoapdqKf4>

<sup>29</sup> Rome Statute of the International Criminal Court, 1998, Art. 7(2)b

۱۳۵۴: ۲۱۵) اما قطعنامه‌های شورای امنیت در مورد یمن ظالمانه است زیرا قربانی را مجازات و جنایتکار را رها کرده است. این شورا با حمایت از مداخله و تجاوزات نظامی عربستان در یمن همچنین از عبدربه منصور هادی و مشروعیت وی حمایت کرده و واکنش مناسبی اتخاذ نکرده است. اقداماتی که جامعه جهانی در این خصوص انجام داد بشرح موارد زیر می‌باشد:

- در ۲۲ اکتبر ۲۰۱۱ وزارت خارجه آمریکا طی بیانیه‌ای خواستار انتقال فوری قدرت در یمن شد. در قسمتی از این بیانیه آمده است، امروز جامعه بین‌المللی پیامی روشن و متحد ارسال کرد که زمان برای رئیس‌جمهور یمن علی عبدالله صالح فرارسیده است تا به مردم یمن اجازه دهد که فارغ از خشونت و ناامنی آزادانه زندگی کنند، ما از دولت یمن می‌خواهیم تا در مورد افرادی که در رابطه با خشونت‌ها علیه تظاهرات صلح آمیز مقصرند، رسیدگی کرده و آنان را به خاطر جنایاتشان مورد حسابرسی قرار دهد، تنها راه پاسخ دادن به خواسته‌های مردم یمن، شروع فوری انتقال قدرت بر اساس ابتکار عمل شورای همکاری خلیج می‌باشد. همچنین وزارت خزانه داری آمریکا در تاریخ ۱۰ نوامبر ۲۰۱۴ علی عبدالله صالح، رئیس جمهوری سابق یمن، و دو فرمانده نظامی جنبش حوثی بنام عبدالله یحیی الحکیم<sup>۳۰</sup> و عبدالخالق الحوثی<sup>۳۱</sup> را به اتهام برهم زدن ثبات و امنیت یمن در لیست تحریمی خود وارد کرد.<sup>۳۲</sup>

- اتحادیه اروپا نیز در یمن بر انتقال آرام قدرت از عبدالله صالح به معاونش در چارچوب ساختار قبلی حاکمیت یمن توافق داشت.

- عربستان سعودی در ۲۶ مارس ۲۰۱۵ در قالب یک ائتلاف منطقه‌ای مواضع انصار الله را بمباران کرد. عربستان سعودی در توجیه اقدام نظامی خود در یمن، دستیابی حوثی‌ها به موشک‌های بالستیک، نیروی هوایی و به طور کلی مسائل امنیتی منطقه‌ای عنوان کرد (UNS/2015/217).

در طی این حملات بنا به گزارش دیدبان حقوق بشر از بمب‌های خوشه‌ای علیه مردم یمن استفاده شده است.<sup>۳۳</sup> بدیهی است این سلاح‌ها به دلیل نقض اصول عدم تفکیک، منع درد و رنج بیهوده، تناسب و اصل احتیاط در به کارگیری تسلیحات، جزو سلاح‌های ناقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی است<sup>۳۴</sup> و در نتیجه قابلیت پیگرد بین‌المللی را دارد. حتی آقای اداما دینگ<sup>۳۵</sup> مشاور ویژه سازمان ملل در پیشگیری از نسل‌کشی طی گزارشی در ۱۴ آگوست ۲۰۱۵ اعلام کرد که اطلاعات حاکی از هدف قرار گرفته شدن بازارهای محلی و کامیون‌های حمل غذا توسط حملات هوایی است که حتی به عنوان یک استراتژی نظامی مورد اجرا قرار گرفته شده است.<sup>۳۶</sup>

<sup>30</sup> Abdullah Yahya al-Hakim

<sup>31</sup> Abdul Khaleq al-Houthi

<sup>32</sup> <http://www.treasury.gov/resource-center/sanctions/OFAC-Enforcement/Pages/20141110.aspx>

<sup>33</sup> <https://www.hrw.org/news/2015/05/31/yemen-cluster-munitions-harm-civilians>

<sup>34</sup> <http://www.stopclustermunitions.org/>

<sup>35</sup> Adam Ding

<sup>36</sup> <http://www.un.org/en/preventgenocide/adviser/pdf/Op-ed%20Yemen>

دیوان کیفری بین المللی در ماده ۸ بند ب قسمت بیستم استفاده از سلاح‌ها، پرتابه‌ها و مواد و روش‌های جنگی که خاصیت عدم تفکیک بین اهداف را دارد، جزو جنایات جنگی که شامل جنایات مطرح در مسئولیت حمایت نیز است، محسوب می‌کند.<sup>۳۷</sup>

- در همین برحه در ۲۹ مارس ۲۰۱۵ سران کشورهای عضو اتحادیه عرب در شرم الشيخ مصر گرد هم آمدند و بر ایجاد یک نیروی مشترک نظامی عربی توافق کردند. دبیرکل اتحادیه عرب در آغاز دومین روز از اجلاس سران اتحادیه عرب اعلام کرد که حملات ائتلاف به رهبری عربستان سعودی علیه حوثی‌ها در یمن تا زمانی که این گروه سلاح‌های خود را تسلیم نکند و از مناطقی که اشغال کرده عقب نرود ادامه خواهد داشت (Khazzan, 2014: 16)

- بان کی مون، دبیرکل سابق سازمان ملل متحد برای اولین بار از زمان حمله به یمن توسط نیروهای ائتلاف منطقه‌ای به رهبری عربستان سعودی، خواستار برقراری آتش بس فوری از سوی همه طرف‌های درگیر یمن شد.

- وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران برای حل بحران یمن در ۱۸ آوریل ۲۰۱۵ طرح چهار ماده‌ای را به دبیرکل سازمان ارائه کرد که مفاد آن به شرح زیر است:

۱- برقراری آتش بس و توقف سریع کلیه حملات نظامی خارجی؛

۲- ارسال فوری و بدون وقفه کمک‌های انسان دوستانه (و پزشکی) برای مردم یمن؛

۳- از سرگیری گفتگوی ملی یمنی و تحت هدایت مردم یمن و با مشارکت نمایندگان تمام احزاب سیاسی و گروه‌های اجتماعی این کشور؛

۴- تشکیل دولت فراگیر وحدت ملی یمن.<sup>۳۸</sup>

- با همکاری سازمان ملل و مساعدت کشورهای مختلف، کنفرانسی برای برقراری آتش بس در ژنو برگزار شد که این مذاکرات در اتاق‌های جداگانه توسط دبیرکل سازمان ملل انجام گرفت و در نهایت بی نتیجه به پایان رسید. در مدت برگزاری این کنفرانس، یمن از سوی ائتلاف به رهبری عربستان سعودی همچنان مورد حمله قرار گرفته بود.

- در ۱۵ دسامبر ۲۰۱۵ یک سری مذاکرات با هدف ایجاد آتش بس دائمی و جامع در کشور سوئیس، انجام و در پی آن توافقاتی حاصل گردید از جمله؛ مکانیزمی برای آزاد سازی زندانیان، ایجاد کمیته‌ای برای هماهنگی و کاستن از تنش‌ها متشکل از مشاوران نظامی هر دو طرف، لغو محاصره و اجازه دسترسی امن و

<sup>37</sup> Rome Statute of the International Criminal Court, 1998, Art. 8(2)(b)xx

<sup>38</sup> <http://mfa.ir/index.aspx?siteid=1&pageid=2007&newsview=336503&pro=nobak>



سریع و بدون مانع برای کمک‌های انسان دوستانه به همه استان‌ها و در پایان طرفین به از سرگیری گفتوگوی فراگیر سیاسی به توافق رسیدند.<sup>39</sup>

اما حملات نگران کننده و بمباران اهداف غیرنظامی توسط ائتلاف به رهبری عربستان سعودی تا آنجا پیش رفته است که دبیرکل سازمان ملل در بیانیه‌ای از حملات شدید به مناطق مسکونی و ساختمان‌های غیرنظامی در صنعا از جمله اتاق بازرگانی، تالار عروسی و مرکز نابینایان، ابراز نگرانی کردند و استفاده از بمب‌های خوشه‌ای توسط ائتلاف به رهبری عربستان را به دلیل ماهیت بی رویه آن با احتمال جنایت جنگی نام برد و اخراج نماینده حقوق بشر سازمان ملل توسط دولت مستعفی را محکوم کردند. در این بیانیه که در ۸ ژانویه ۲۰۱۶ بیان شد، تلفات جنگ را ۲۸۰۰ کشته و ۸۱۰۰ زخمی ذکر کرد.<sup>۴۰</sup> شایان ذکر است که دیوان کیفری بین المللی در ماده ۸ بند ب، حمله یا بمباران مناطق مسکونی و اهداف غیرنظامی با هر وسیله‌ای که باشد، جزو جنایات جنگی قرار می‌دهد.<sup>۴۱</sup> شورای امنیت از آغاز تحولات و بحران در یمن تاکنون اقدام به صدور چندین قطعنامه کرده که هر قطعنامه سازوکار مناسبات و چشم‌انداز یمن را در مقاطع مختلف و با توجه به تغییرات سیاسی و میدانی مورد توجه قرار داده است.

### نتیجه گیری

یمن از زمان تشکیل جمهوری در سال ۱۹۷۰ با تحولات گوناگونی در عرصه داخلی روبرو بوده است. علاوه بر جنگ‌های داخلی، درگیری‌های مرزی با عربستان، جنگ‌های شش‌گانه یا حوثی‌ها، مبارزه با ((حراک)) تجزیه طلب در جنوب و مبارزه با القاعده از جمله این تحولات هستند. بی ثباتی داخلی و فقر گسترده در یمن به عنوان فقیرترین کشور عربی، موجب ایجاد زمینه دخالت نیروهای خارجی در تحولات این کشور شده است. کشور یمن نیز که در اثر انقلاب سال ۲۰۱۱ دچار بحران شده بود، در اثر حمله ائتلاف منطقه‌ای به رهبری عربستان، وضعیتش پیچیده گردید که طبق گزارش سازمان‌های بین المللی منجر به کشته شدن جمعیت غیرنظامی بسیاری از جمله کودکان گردید که متعاقباً سبب از بین رفتن زیرساخت‌های این کشور از جمله مراکز درمانی و جاده‌ها و غیره گردید و هر روز بنابر گزارش‌های سازمان‌های بین المللی اوضاع انسانی رو به وخامت می‌گذارد. حمله این ائتلاف از نظر حقوق بین الملل مخالف اصل حق تعیین سرنوشت و مغایر منشور ملل متحد در خصوص ممنوعیت توسل به زور است. همچنین کیفیت این حملات نیز به دلیل هدف قرار دادن افراد و مناطق غیرنظامی و همچنین استفاده از سلاح‌های ممنوعه، مغایر با مفاد عهدنامه‌های چهارم ژنو مانند ماده ۱۹ عهدنامه اول و ماده ۵۲ پروتکل اول الحاقی است و در نتیجه مغایر با حقوق بین الملل است که در مواردی حتی بنا به تأیید

<sup>39</sup> [http://www.unog.ch/unog/website/news\\_media.nsf/%28httpPages%29/c80dbb6cb0551f71c1257eb90034379d?OpenDocument&ExpandSection=2#\\_Section2](http://www.unog.ch/unog/website/news_media.nsf/%28httpPages%29/c80dbb6cb0551f71c1257eb90034379d?OpenDocument&ExpandSection=2#_Section2)

<sup>40</sup> <http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=52966#.VpfW4IKJ2Sp>

<sup>41</sup> Rome Statute of the International Criminal Court, 1998, Art.8(2)b) v

دبیرکل سازمان ملل و چندین سازمان بین الملل، مصداق جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت است. کشتار غیر نظامیان و نقض فاحش حقوق بشردوستانه در گستره وسیع و تحمیل گرسنگی بر آنها مصداق جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت که ائتلاف در طی بمباران یمن و محاصره هوایی و دریایی این کشور که مانع ورود مواد غذایی و بهداشتی به یمن می‌شود، مرتکب این جرائم شده است. به نظر می‌رسد می‌توان با تکیه بر دکترین مسئولیت حمایت در مقابل این تجاوز، واکنش نشان داد که البته بدیهی است که نیازمند تصویب شورای امنیت سازمان ملل است که وجود هم پیمانان عربستان سعودی در بین اعضای دائمی شورای امنیت این امر را با مشکل روبرو می‌نماید. البته در اثر فشار افکار عمومی و اقدامات و گزارش‌های سازمان‌های بین الملل به گونه‌ای می‌توان دولت‌های عضو شورای امنیت را برای اتخاذ تدابیری که باعث ترک مخاصمه از سوی طرفین بخصوص عربستان سعودی گردد، ترغیب و مجبور کرد.

در پایان بایستی گفت شورای امنیت ملل متحد، با اتخاذ نوعی موضع انفعالی در برابر اقدامات یک نهاد منطقه‌ای، با چشم بستن به روی واقعیت‌های میدانی در یمن، اقدام به صدور قطعنامه‌هایی یکسویه و بر ضد گروه‌های مردمی و ملت بی دفاع یمن کرده و به ویژه در قطعنامه‌های ۲۲۰۱ (بند ۶ مقدمه) و ۲۲۱۶ (بند ۲ مقدمه) با ذکر نام منصور هادی به عنوان رئیس جمهور یا عنوان رئیس جمهور یمن و اشاره به نامه وی مبنی بر درخواست هر گونه کمک لازم از شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب از جمله دخالت نظامی (بند ۲ مقدمه قطعنامه ۲۲۱۶)، سعی در موجه جلوه دادن اقدامات کشورهای مهاجم کرده است، لیکن با نظر به آنچه گفته شد، باید به این قطعنامه‌ها به عنوان مبنای حقوقی مداخله نظامی در یمن بر اساس فصل هفتم منشور با دیده تردید نگریست. ضمن اینکه قانونی بودن قطعنامه‌های شورای امنیت به لحاظ ماهوی در صورتی که مغایر با قواعد آمره حقوق بین الملل باشد، با چالش جدی مواجه است<sup>۴۲</sup>. از این رو تأیید تهاجم نظامی علیه مردم بی دفاع یمن از یک سو قاعده آمره منع توسل به زور را به چالش می‌کشد و از سوی دیگر، با قاعده آمره تعیین سرنوشت مردم یمن ناسازگار می‌نماید.

## منابع و مأخذ

فارسی

<sup>۴۲</sup> دادگاه بدوی جوامع اروپایی (CFI) ضمن اذعان به برتری قطعنامه‌های شورای امنیت طبق ماده ۱۰۳ منشور بار سایر معاهدات بین المللی، معتقد است که این دادگاه می‌تواند به نحو غیرمستقیم قانونی بودن قطعنامه‌های شورای امنیت را در ارتباط با قواعد آمره، که بر همه ی تابعان حقوق بین الملل از جمله ارکان ملل متحد الزامی بوده و هرگز قابل عدول نیستند، کنترل کند. برای مشاهده ی این نظر به آرای زیر نگاه کنید:

Case T 306/01 Ahmed Ali Yusuf and Al Barakaat International Foundation v. Council and Commission (2005) paras. 270 82, and Case T 315/01 Yassin Abdullah Kadi v. Council and Commission (2005) paras. 219 31. See also Case T 253/02 Chafiq Ayadi v. Council, and Case T 49/04 Faraj Hassan v Council and Commission.

همچنین:

The UK case of Al Jedda v. Secretary of State for Defence, [2007] UKHL 58, in the House of Lords in 2007 where arguments concerning Art. 103 of the UN Charter arose.

(۱) کتب.

- آقای، سید داوود (۱۳۸۲). سازمان های بین المللی. چاپ اول، تهران: پیک فرهنگ.
- باقری چوکامی، سیامک (۱۳۸۹). یمن. تهران: امیرکبیر.
- باوت، دی. و (۱۳۷۲). حقوق نهادهای بین المللی. ترجمه هومن اعرابی، تهران: انتشارات کیهان.
- حقیقت، صادق (۱۳۸۹). مبانی اندیشه سیاسی در اسلام. تهران: سمت.
- درایسدل، آلاسیدر و بلیک، جرال. اچ (۱۳۸۶). جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا. ترجمه حیدر دره میر (مهاجرانی)، چاپ پنجم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- دوسوالدبک، لوئیس و هنکرتز، ژان ماری (۱۳۸۷). حقوق بین الملل بشردوستانه عرفی. ترجمه دفتر امور بین الملل قوه قضائیه، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- کازرونی، سید مصطفی (۱۳۹۳). مسئولیت حمایت در حقوق بین الملل. چاپ اول، تهران: نگاه بینه.
- گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۸۸). حقوق بشر در جهان معاصر. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- میررضوی، فیروزه و احمدی لفورکی، بهزاد (۱۳۸۳). راهنمای منطقه و کشورهای حوزه ی خلیج فارس، تهران: موسسه ی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
- نجفی اسفاد، مرتضی (۱۳۹۲). جامعه بین المللی و حقوق بین الملل در قرن ۲۱ (مجموعه مقالات در تجلیل دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی). تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهردانش.
- نیاکوئی، سید امیر (۱۳۹۱). کالبد شکافی انقلاب های معاصر در جهان عرب. تهران: نشر میزان.

## (۲) مقالات

- احمدی، ستار (۱۳۸۲). شورای امنیت و امکان کنترل قطعنامه های آن توسط دیوان بین المللی دادگستری. فصلنامه سیاست خارجی، سال هفدهم، شماره ۴، صص ۱۰۸۸-۱۰۵۱.
- احمدیان، حسن (۱۳۹۰). طرح شورای همکاری خلیج فارس و آینده قیام مردم یمن. فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال دوازدهم، شماره ۴۸، صص ۱۲۰-۱۰۱.
- بارفی، باراک (۱۳۹۳). نگرانی از قدرت گرفتن القاعده در شبه جزیره عرب. روزنامه افکار، شماره ۱.

- توسکی، ف (۱۳۹۳). یمن؛ مطامع بازیگران خارجی و چالش های داخلی. *مجله بین الملل مهر*، سال چهارم، شماره ۲
- دولتخواه، زهرا و امام جمعه زاده سی جواد (۱۳۹۴). دکترین مسئولیت حمایت: بررسی تطبیقی رویکرد اعضای دائم شورای امنیت در قبال بحران لیبی و سوریه. *فصلنامه راهبرد*، سال بیست و چهارم، شماره ۷۷، صص ۵۹-۸۴.
- صادقی، حسین و احمدیان، حسن (۱۳۸۹). دگرگونی جایگاه منطقه ای یمن، امکانات و چالش ها. *فصلنامه راهبرد*، سال نوزدهم، شماره ۵۶، صص ۲۸۰-۲۵۳.
- فضائلی، مصطفی (۱۳۹۵). مداخله نظامی در یمن از منظر حقوق بین الملل. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، سال چهل و ششم، شماره ۱، صص ۴۱-۷۰.
- مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۴). سیاستگذاری راهبردی در مدیریت بحران امنیتی یمن. *فصلنامه سیاست جهانی*، سال چهارم، شماره ۳، صص ۱۳۹-۱۰۹.
- مقصودی، مجتبی و حیدری، شقایق (۱۳۹۰). بررسی وجوه تشابه و تفاوت جنبش های عربی در کشورهای خاورمیانه. *فصلنامه ره نامه سیاستگذاری*، سال دوم، شماره ۲، صص ۷۳-۴۱.
- میراحمدی، منصور و احمدوند، ولی محمد (۱۳۹۴). هویت و مبانی فکری جنبش انصارالله در یمن. *فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام*، سال اول، شماره های ۲ و ۳، صص ۱۶۵-۱۴۵.

لاتین

-Adra, Najwa (2013). Women and Peace Building in Yemen; Challenges and Opportunitie, Available at: [www. peacebuilding. no/ var/ ezflow\\_ site/storage/original/a](http://www.peacebuilding.no/var/ezflow_site/storage/original/a).

-Al-Arashi, Fakhri (2014). Unemployment and Poverty Rate in Yemen Highest in the Middle East, **National Yemen (February 24)**.

-Al Muslimi, Farea(2015). The Gulf's failure in Yemen, Carnegi Middle East center. <http://carnegie-mec.org/2015/05/06/gulf-s-failure-in-yemen i8ar>.

-Baker, Russ (2011). The Saudi Arabia Spring Nobody Noticed, **Who, What, Why(December 7)**.

- Blaydes, Lisa (2011). Elections and Distributive Politics in Mubarak Egypt, **Cambridge University Press**.
- Boghardt, Lori Plotkin (2014). Saudi Funding of ISIS, **The Washington Institute for Near East Policy**. Policy watch 2273 .
- Broner, Ethan and Slackman, Michael (2011). Saudi Troops Enter Bahrain to Help Put Down Unrest, **New York Times** (March 14).
- Carkoglu, Ali, Eder, Mine and Kirisci, Kemal(2005). Political Economy of Regional Cooperation in the Middle East, **New York: Routledge**.
- Clemons, Steve (2014). Thank God for the Saudis': ISIS, Iraq, and the Lessons of Blowback, **The Atlantic** .
- Cordesman, Anthony H (2006). Preliminary 'Lessons' of the Israeli-Hezbollah War, **Working Paper, CSIS**, August 17.
- Fryklund, Inge (2015). After Paris and Beirut: It is Time to Rein in Saudi Arabia, **Huffington Post** .
- Hegghammer, Thomas and Stephane Lacroix (2007). Rejectionist Islamism in Saudi Arabia: The Story of Juhayman al-'Utaybi Revisited, **International Journal of Middle East Studies**. Vol. 39, no1.
- Khatib Lina (2015). Saudi Arabia's Comeback via Yemen, Carnegie Endowment for International Peace ht against the Houthis?, **CNN**.
- Khazzan, Wafa (2014). Unemployment and Poverty Rate in Yemen Highest in the Middle East, **National Yemen**.
- Mujahed, Ali and Hugh Naylor (2015). Yemen's Houthi Rrebels get boost from Ccountry's Ousted Ddictator, **Washington Post** .
- Nazemroaya, Mahdi Darius (2012). The Geo-Politics of the Strait of Hormuz: Could the U.S. Navy be defeated by Iran in the Persian Gulf **Global Research**, January 08, 2012.
- Sharp, Jeremy M(2015). Yemen: Civil War and Regional Intervention ,**Congressional Research Service**.
- <http://reliefweb.int/report/yemen/yemen-humanitarian-emergency-situation-report-no-16-20-july-2015>